

۲ بازی در کدام زمین؟
حمله انقلابی نماها به دیپلماسی

۲ طرح مجلس علیه آژانس
تعليق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

۶ دشمن دشمن
بررسی نقش جرمی پاول در جنگ

۷ در خط مقدم
درباره امدادگران هلال احمر

ترمیم استراتژی ملی

حسن روحانی در بیانیه‌ای خطاب به مردم ایران هشدار داد که آتش‌بس می‌تواند فرصتی برای خدعه و فریب کاری باشد



سرمقاله

روایت نواز ایران

فرصتی برای بازنگری، بازسازی و آمادگی دوباره، نه برای جنگ، بلکه برای صیانت از ایران و ایرانیان



اکبر منتجبی

سردبیر

در روزهایی که فضای ایران از پس التهاب و ایستادگی، رنگی از آرامش موقت گرفته، آتش‌بس اعلام‌شده میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم کودک‌کش اسرائیل، بیش از آنکه پایان یک رویارویی باشد، نقطه‌ای است برای درنگ و درک عمق آنچه گذشت و آنچه پیش‌روست. آتش‌بس، صرفاً خاموشی سلاح‌ها نیست؛ سکوتی ست سرشار از پیام، فرصتی است برای بازنگری، بازسازی و آمادگی دوباره نه برای جنگ که برای صیانت از وضعیتی که هر لحظه می‌تواند در معرض تبدیلی از نفوذ و انحراف قرار گیرد. به‌منظر می‌رسد، در چنین بزنگاهی، چند نکته مهم باید مورد بازبینی و مراقبت قرار گیرد:

۱ وحدت ملی، نه شعاری که راهبردی

امروز بیش از همیشه به وحدتی نیازمندیم که نه با فریاد، بلکه با فهم متقابل شکل گیرد. نقد و تنوع صدا، اگر در چارچوبی از احترام به منافع ملی هدایت شود، به سرمایه‌ای گران‌سنگ بدل می‌شود. در برابر دشمنی که سال‌هاست با تمام ابزارها به دنبال تفرقه است، وحدت ما نه گزینه که الزام است. در شرایطی که ایران درگیر چالش‌های منطقه‌ای، فشارهای اقتصادی و تهدیدهای اطلاعاتی و امنیتی است، وحدت ملی، نه یک آرمان یا شعار اخلاقی، بلکه ضرورتی راهبردی برای بقا، ثبات و پیشرفت ملی است. استراتژی وحدت ملی باید از شعار به راهبرد تبدیل شود. زیرا اگر وحدت فقط در قالب شعار باقی بماند، در بزنگاه‌های بحرانی کارایی ندارد. وفاق و وحدت واقعی، زمانی معنا می‌یابد که در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و رفتارهای اجتماعی نمود یابد. یعنی مردم و مسئولان نه صرفاً در حرف، بلکه در عمل به هم اعتماد کنند، زبان مشترک بیابند و اهداف ملی را بر منافع جناحی یا شخصی مقدم بشمارند. وحدت، با حذف اختلاف‌نظر ساخته نمی‌شود؛ بلکه با پذیرش آن و هدایتش در یک مسیر ملی تقویت می‌شود. جامعه‌ای که منتقدان خود را دشمن نمی‌بیند بلکه به دید فرصت به آن‌ها نگاه می‌کند، وحدت پایدارتری می‌سازد. در این چارچوب، رسانه‌ها، نخبگان، احزاب و حتی شهروندان عادی مسئولیت دارند تا از دوگانه‌سازی‌های خطرناک پرهیز کنند و به‌جای آن، پیوندهای فرهنگی، تاریخی و اجتماعی مشترک را برجسته سازند. از آن‌سو حاکمیت نیز باید از خط‌کشی شهروندان به خودی و غیرخودی پرهیز کند. تجربه نشان داده دشمنان خارجی که به نفوذ قابل‌توجهی در برخی از سازمان و ساختارها دست یافته‌اند، بیش از آن‌که با تهدید نظامی بتوانند ایران را تضعیف کنند، تلاش می‌کنند از درون جامعه، با ایجاد نارضایتی داخلی و دست‌اندرکاران مسائل پیش‌یافته و برجسته کردن آنها، شکاف بیندازند. دوقطبی‌سازی، ایجاد بی‌اعتمادی، تخریب سرمایه‌های اجتماعی و القای حس بی‌ثباتی، همه ابزارهایی برای ضربه به ستون فقرات وحدت ملی هستند. شناخت این الگوها، اولین گام برای خنثی‌سازی آن‌هاست. در یک جمله، وحدت ملی اگر به‌درستی تعریف و مدیریت شود، نه تنها در برابر تهدید خارجی سپر می‌شود، بلکه انگیزه‌ای برای شکوفایی داخلی و انسجام درونی نیز فراهم می‌کند. امروز بیش از همیشه، باید «وحدت» را نه به‌عنوان پوسته‌ای ظاهری، بلکه به‌مثابه عمقی راهبردی بازتعریف کرد.

ادامه در صفحه ۸

پیشنهاد سازندگی برای عبور از شرایط آتش‌بس به صلح پایدار

دیپلمات‌ها به خط شونند

پس از تحمیل توقف جنگ به دشمن صهیون، به همان اندازه که باید دست‌به‌ماشه بود و همواره برای پاسخ پشیمان‌کننده به دشمن آمادگی نظامی داشت

به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های دیپلماتیک ایران در داخل و خارج از کشور نیز باید در دستور کار قرار گیرد

است که تهران در مدت ۱۲ روز جنگ، تمام کانال‌های دیپلماسی خود را نه تنها باز گذاشته بود بلکه آنها را بیش از گذشته فعال کرد و در این راستا، دستگاه دیپلماسی با تمام قدرت و تمام‌قد کوشید تا بتواند برای تأمین منافع و امنیت ملی ایران راهی بیابد.

ادامه در صفحه ۳

خورده است؛ به منطق دیپلماسی بازگردید». اهمیت این پیام بدان جهت است که جهان و جهانیان بدانند، ایران با گذر از یک نبرد نفس‌گیر و مقابله با تهاجم اسرائیل به خاک و کشورمان و تحمیل آتش‌بس، نه تنها از دیپلماسی گریزان نیست بلکه صراحتاً همانند گذشته بر این مقوله تأکید دارد. واقعیت این

ملل در نیویورک در ایکس است که روز گذشته (چهارشنبه) منتشر شد. در این پیام آمده است: «منطق تهدید، ارعاب و استفاده از نیروی نظامی برای وادار کردن ایران به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیزش، پس از شکست اخیر جنگ‌طلبان، حتی بی‌فایده‌تر شده است. منطق جنگ شکست



فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل

«منطق جنگ شکست خورده است؛ به منطق دیپلماسی بازگردید»؛ این عبارت بخشی از پیام نمایندگی ایران در سازمان



محمّدجوادی ظریف



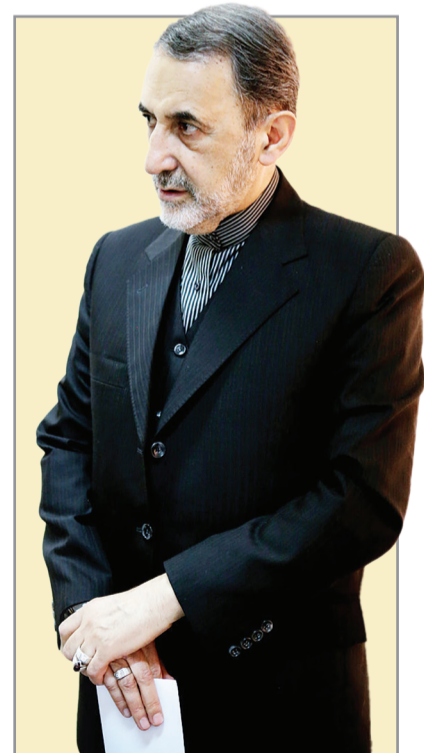
سیدعباس عراقچی



سیدکمال خرازی



علی‌اکبر صالحی



علی‌اکبر ولایتی



مهدی سنایی



سیروس نامینی



امیرسعید ایروانی



سیدمحمدحسین عادل



سیدحسین موسویان



مجد نختروانچی



گفتار سیاسی

ترمیم استراتژی ملی

حسن روحانی در بیانیه‌ای خطاب به مردم ایران هشدار داد که آتش‌بس می‌تواند فرصتی برای خدعه و فریب‌کاری باشد

حسن روحانی، رئیس‌جمهور دولت‌های یازدهم و دوازدهم با صدور بیانیه‌ای، ضمن تسلیت به خانواده‌های شهدا و مردم در پی حملات اخیر، از نقش رهبری و نیروهای مسلح در دفاع از کشور تقدیر و تأکید کرد: «تجربه لبنان و تحولات اخیر نشان داد آتش‌بس الزاماً نشانه پایان تهدید نیست. نباید فریب واژگان را خورد؛ آمادگی کامل اطلاعاتی، دفاعی و امنیتی باید حفظ شود».

روحانی با انتقاد از عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خواستار تعامل منصفانه شد و افزود: «ترمیم استراتژی ملی و بازسازی اعتماد عمومی کنار بازدارندگی نظامی، تنها راه عبور از این بحران است». او بر لزوم گفت‌وگوی ملی و اتحاد صادقانه میان مردم، دولت و رهبری تأکید کرد. روحانی در این بیانیه تأکید کرده است: «در روزهایی که امنیت و آرامش این سرزمین لرزید، این شما بودید که با صبوری، هوشیاری و همبستگی، دیوار دفاع ملی را استوار نگاه داشتید. پیش از سخنی، باید در برابر شما سر تعظیم فرود آورد چرا که اگر ایستادگی نشکست، اگر امید خاموش نشد و اگر کشور فروپاشید، از برکت دل‌های آگاه و جان‌های مقاوم شما مردم بود».

او افزود: «در جریان این حملات سنگین و سازمان‌یافته، متأسفانه آسیب‌هایی جدی و جانکاه بر کشور وارد آمد. جمعی از فرماندهان رشید و دانشمندان برجسته هسته‌ای، پژوهش‌گران حوزه دفاعی، پاسداران فداکار، افسران و سربازان شجاع ارتش و نیز صدها نفر از شهروندان بی‌گناه غیرنظامی به شهادت رسیدند و خانواده‌های بسیاری، داغ‌دار شدند. همچنین بخش‌هایی از تأسیسات پدافندی، هسته‌ای، زیربنایی و حتی اماکن مسکونی هدف تخریب قرار گرفت. این ضایعه، سنگین و اندوهناک است و باید با صداقت از آن سخن گفت. ما در برابر این حقیقت، چشم نمی‌ندیم و آن را فرصتی برای بازاندیشی و ترمیم می‌دانیم چرا که اعتماد مردم به ساختارهای دفاعی و مدیریتی، نعمتی حیاتی و در عین حال، شکننده است. دشمن با تمام توان کوشید تا این اعتماد را از درون متزلزل کند. اکنون برای ما رسالتی دوچندان است: هم در بازسازی توان بازدارندگی و هم در بازسازی رابطه‌ای متقابل، صادقانه و پرامید با مردم».

رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم در متن منتشرشده می‌گوید: «در این میدان، اگرچه هزینه‌ها سنگین بود اما رهبری کشور با آرامش، صلابت و اشرافی همه‌جانبه، مسیر کشور را از عقب‌نشینی به سوی ایستادگی سوق دادند. نقش مقام معظم رهبری در مدیریت صحنه‌های امنیتی، سیاسی و دیپلماتیک این بحران، تعیین‌کننده بود. فرماندهی کل قوا با اتخاذ تصمیماتی سنجیده، مسیر تجاوز را سد کرده و متجاوزان را ناگزیر به توقف درگیری کرد. در کنار این هدایت کلان، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران - ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی - با ایثار و در بسیاری موارد، با نثار جان خود، از کبان ایران دفاع کردند. ملت ایران این فداکاری‌ها را قدر می‌شناسد و به حافظه تاریخی خود می‌سپارد. در این ایام، دولت نیز، با همه دشواری‌ها، تلاش کرد کشور را از دلهره‌تأمین‌نیازهای ضروری دور نگاه دارد. استمرار فعالیت‌های عمومی، حفظ پیوستگی خدمات و تلاش برای تقویت امید اجتماعی، جز با همدلی دستگاه اجرایی و همراهی مردم ممکن نمی‌شد». او خطاب به مردم ایران ادامه داد: «ما همچنان باید هوشیار باشیم. بی‌اعتمادی به آثانی که در زبان، صلح می‌جویند اما در عمل، تحریم، تهدید، ترور و تحمیل را پیش می‌برند، ضرورتی ملی است. آمریکا و رژیم صهیونیستی در پی تضعیف اراده، همبستگی و اتحاد ملی و تمامیت سرزمینی ما هستند نه صرفاً هدف گرفتن زیرساخت‌های ما. این روزها به ما آموخت که تداوم سه پایه جمهوریت، اسلامیت و ایرانیت در گرو می‌صدایی صادقانه میان مردم، دولت، رهبری و دیگر نهادهای ملی است. این هم‌صدایی، با گفت‌وگو و گستراندن چتر ملی بر فراز همه احاد ملت، با همه تفاوت‌های قومی و مذهبی و سیاسی، با صداقت در مواجهه با ضعف‌ها و با فاصله گرفتن از خودکم‌بینی‌ها و خودبزرگ‌بینی‌ها ممکن می‌شود. باید به سخن مردم گوش سپرد، باید جبران کرد، باید بازسازی کرد و باید به فردا اندیشید. ما باید آماده باشیم، نه برای جنگ طلبی بلکه برای صلحی پایدار و مقتدر که هزینه دارد و با عقلانیت و بازدارندگی و جست‌وجوی عمق استراتژیک در قلبها و ذهن‌های ما ایرانیان حاصل می‌شود، نه با آرزواندیشی‌های بی‌بنا و بی‌پروا».

بازی در کدام زمین؟

بررسی حمله انقلابی‌نماها به دیپلماسی



هدا احمدی

گروه سیاسی

در بحبوحه تهدیدات نظامی و فشارهای خارجی، آنچه بیش از هر زمان دیگر به چشم می‌آید، تلاش بخشی از جریان سیاسی اندک است که در مسیر وحدت ملی سنگ‌اندازی می‌کند؛ جریانی که گویی انسجام کشور را نه یک ارزش بلکه مانعی در برابر منافع گروهی خود می‌بیند. اینها امروز دیگر تنها صدایی پراکنده نیستند؛ آنها با رسانه، تریبون و جایگاه رسمی، در مسیری حرکت می‌کنند که ناخواسته یا عمدانه، هم‌صدایی‌شان با سیاست‌های غربی و رسانه‌های ضدایرانی، انکارناپذیر شده است.

برای نمونه، حمله به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه دولت، در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی جمهوری اسلامی، یکی از تازه‌ترین مضامین این مسیر رادیکال و خسارت‌بار است. درحالی که پزشک‌های در بخشی از صحبت‌های تلفنی خود با انور ابراهیم، نخست‌وزیر مائز از آمادگی ایران برای گفت‌وگو جهت احقاق حقوق ملت ایران سخن می‌گوید، بلافاصله، میثم نیلی، مدیرمسئول رجانیزوز، برادر داماد ابراهیم رئیس‌ی، در یک برنامه تلویزیونی و روی آنتن زنده صداوسیما گفت: «برادران دیپلمات، درحالی که آمریکا ۸ ماه بود برای حمله برنامه‌ریزی می‌کرد، ما در حال مذاکره بودیم؛ چرا برخی مسئولین ما در میانه جنگ می‌گویند آماده مذاکره هستیم. کدام مذاکره؟»؛ این پرسش البته ظاهر فریبنده‌ای دارد اما در بطن خود، نه سؤالی دیپلماتیک بلکه تلاشی برای تقابل با مسیر قانونی و مصالح کشور است.

اما حملات، صرفاً به رئیس‌جمهور ختم نمی‌شود؛ تیرهای این جریان، مشخصاً متوجه عباس عراقچی، وزیر خارجه دولت شده است. چهره‌ای با سابقه‌ای پر بار در پرونده‌های هسته‌ای و دیپلماسی که اکنون با مسئولیتی خطیر روبه‌رو است. عراقچی، با پذیرش آتش‌بس در مناقشه اخیر با رژیم صهیونیستی، بهانه‌ای شد برای حمله لفظی شدید از سوی حمید رسایی نماینده نزدیک به جبهه پایداری، که در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اعلان جنگ

پارلمان

طرح مجلس علیه آژانس

تصویب طرح تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در صحن علنی دیروز مجلس

گروه سیاسی: روز گذشته، نشست علنی مجلس دوازدهم به ریاست محمدباقر قالیباف و با حضور بیش از دوسوم نمایندگان برگزار شد و به موضوعی بسیار حساس و مهم پرداخت: «بررسی و تصویب طرح تعلیق همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»؛ طرحی که با اکثریت قاطع آرا، یعنی ۲۲۱ رأی موافق و تنها یک رأی ممتنع از مجموع ۲۲۳ نماینده حاضر در جلسه به تصویب رسید.

این طرح که پیش‌تر در تاریخ سوم تیرماه، در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بررسی و با اصلاحاتی تصویب شده بود، در جلسه روز گذشته نیز با تأیید کلیات و جزئیات آن، وارد مرحله اجرایی شد. بر اساس مصوبه مجلس، از این پس، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه ورود به کشور را نخواهند داشت، مگر آنکه امنیت کامل تأسیسات هسته‌ای و فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران تضمین شود؛ آن‌هم صرفاً با تأیید*شورای عالی امنیت ملی.

در این مصوبه، نته اصل همکاری با آژانس مورد بازنگری قرار گرفته بلکه هرگونه نصب دوربین‌های پادمانی و فریادمانی نیز ممنوع اعلام شده است. همچنین برای افرادی که برخلاف این مصوبه، مجوز ورود مأموران آژانس را صادر کنند، مجازاتی در نظر گرفته شده است. این تصمیم مجلس، گامی جدی در راستای تحدید نظارت‌های بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای ایران محسوب می‌شود؛ مساله‌ای که بلافاصله بازتاب‌های بین‌المللی نیز در پی داشت. دیروز محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در نطق پیش از دستور خود با صراحت از عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انتقاد کرد. او با اشاره به عدم محکومیت حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای ایران از سوی آژانس، گفت: آژانس حتی در ظاهر نیز حاضر به محکومیت حمله به تأسیسات ایران نشده و این سکوت، اعتبار بین‌المللی این نهاد را زیر سؤال برد. لذا تا زمانی که امنیت تأسیسات هسته‌ای تضمین نشود، ایران همکاری خود با آژانس را تعلیق می‌کند و برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را با سرعت بیشتری ادامه خواهد داد. قالیباف همچنین تأکید کرد:

و صلح از اختیارات رهبری است و دولت‌مردان حقی برای صلح ندارند! این در حالی است که مواضع رهبری درخصوص دیپلماسی مشخص است. صداوسیما نیز در این میان، بی‌طرف نمانده و بعضاً با پخش اظهارات جهت‌دار چهره‌هایی مانند میثم نیلی، خود را در صف حمله‌کنندگان به دولت و سیاست خارجی کشور قرار داده است. این روند، صداوسیما را از رسانه ملی به رسانه جناحی تنزل می‌دهد؛ رسانه‌ای که به جای تلاش برای آرامسازی افکار عمومی، به میدان جنگ داخلی بدل شده است.

ادبیاتی از این دست که عملاً تهدید رسمی یک مقام دیپلماتیک کشور محسوب می‌شود، نه‌تنها نشانی از عقلانیت سیاسی ندارد، بلکه پیام‌آور خشونت و تشنه است؛ آن‌هم درست در لحظاتی که کشور پیش از هر چیز، به همدلی نیاز دارد.

این در حالی است که سرتیپ ابراهیم جباری، فرمانده سابق سپاه حفاظت رهبری، به‌تازگی، صراحتاً گفت: «کسی که مانع انجام وعده صادق ۳ شد، رهبر عزیز بودند؛ و کسی که تصمیم به مذاکره غیرمستقیم گرفت نیز رهبر انقلاب بود.» آیا تدروهای که امروز زبان به تهدید می‌گشایند، با این مواضع هم اختلاف دارند؟ یا صرفاً از موضعی جناحی به دنبال بهره‌برداری سیاسی از هر موقعیتی هستند؟

یک حمله هماهنگ به انسجام ملی؟

از سوی دیگر، علی‌اکبر رائفی‌پور، این فعال رسانه‌ای - سیاسی با ادبیاتی تهدیدآمیز نوشت: «نکته مهم اینجاست که ما اهل کوفه نیستیم؛ خودمان دهان ابو موسی اشعری‌ها را خرد خواهیم کرد و گوشمان به صدای فرمانده است؛ چه برای جنگ چه برای صلح...»

فراموش نکنیم بسیاری از این چهره‌ها که امروز علیه دستگاه دیپلماسی کشور شعار می‌دهند، تنها چند هفته پیش حتی به فرمانده فقید، سردار شهید باقری نیز تاختند؛ شخصیتی که با زطراری ساختار دفاعی کشور، توسعه موشکی و بازدارندگی نقش کلیدی داشت، مورد حمله قرار گرفت فقط به این دلیل که نگاهش به مصالح ملی، با قرانت تدروها هم‌خوانی نداشت.

رادیکالیسم دیجیتال در پوشش انقلابی‌گری

در ادامه این جریان حمله، خبرگزاری تسنیم که سال‌هاست گرایش نزدیک به طیف خاصی از اصول‌گرایان دارد، در گزارشی مدعی شد: «برخی حساب‌های کاربری منتسب به منافقین، در پوشش اکانت‌های سوپرانقلابی در حال القای شکست ایران هستند!»؛ اگر این گزارش صحت داشته باشد، باید پرسید این همه هماهنگی میان ادبیات برخی از نمایندگان و فعالان رسانه‌ای اصول‌گرا با این اکانت‌ها چگونه ممکن شده است؟ آیا جز این است که تدروها با حرکات نسنجیده خود، خواسته یا ناخواسته، در پازل جنگ روانی دشمن بازی می‌کنند؟

علی‌تاجرنیا، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در گفت‌وگویی با رویداد۲۴، به‌درستی اشاره می‌کند: «تدروها در ایران در زمین تدروهای غربی بازی می‌کنند!»؛ او با دقت تأکید می‌کند که این جریان، به جای تلاش برای انسجام، مشغول تفرقه‌افکنی است؛ درست همان چیزی که رسانه‌های خارجی به دنبالش هستند. اگر قرار باشد، نهادهای ناظر و حاکمیتی به درستی به این مساله ورود کنند، اکنون بهترین زمان است. هجمه به شخصیت‌های قانونی، زیر سؤال بردن روند تصمیم‌گیری کشور در حوزه جنگ و صلح، توهین به مقامات ارشد دیپلماسی و امنیت و نیز تلاش برای ایجاد شکاف در بدنه حاکمیت، همه و همه، نیاز به رسیدگی جدی دارند.

به هشدار تحلیل‌گران، فراموش نکنیم که هر تکه‌ای از پازلی که این جریان می‌چیند، ممکن است حلقه‌ای شود در زنجیر بی‌اعتمادی و از بین بردن همبستگی اجتماعی. سکوت در برابر آن، به‌معنای پذیرش نوعی ارتجاع سیاسی است؛ ارتجاعی که نه بر مبنای انقلاب اسلامی بلکه بر پایه انحصارطلبی جناحی بنا شده است. آیا امروز وقت آن نرسیده است که نهادهای امنیتی و شخصیت‌های سیاسی مسئولیت‌پذیر، از حاکمیت قانون و انسجام ملی صیانت کنند زیرا در دنیای سیاست، بزرگ‌ترین خیانت آن است که کسی به اسم انقلابی‌گری، امنیت و وحدت را قربانی قدرت‌طلبی خود کند؟



فریب وعده‌های سیاسی را نمی‌خوریم و هرگونه تجاوز را با پاسخ سهمگین پاسخ خواهیم داد. نیروهای مسلح ما با ایجاد بحران برای رژیم صهیونیستی، آن‌ها را به مرز فروپاشی کشانده‌اند.

همچنان به NPT پایبندیم

تتها ساعاتی پس از تصویب این طرح در مجلس، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در واکنشی گفت: جامعه جهانی نمی‌تواند توقف بازرسی‌ها در تأسیسات هسته‌ای ایران را بپذیرد. او مدعی شد که پس از درگیری‌های نظامی اخیر، فرصت مناسبی برای بازنگری در پرونده هسته‌ای ایران ایجاد شده است و افزود: «مکانیزم‌های بازرسی در ایران عملاً مختل شده‌اند.» اما در پاسخ به برخی گمانه‌زنی‌ها درباره خروج ایران از معاهده NPT، محمود نبویان، نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس تصریح کرد که این طرح به‌معنای خروج از معاهده نیست. او گفت: «ما همچنان به NPT پایبندیم و به دنیا اعلام کرده‌ایم که تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح‌آمیز بوده و خواهد بود؛ اما اجازه نصب دوربین‌های پادمانی و فریادمانی

را نخواهیم داد، مگر با تضمین امنیت تأسیسات.» به عقیده کارشناسان، تصویب این طرح در شرایطی انجام شده که تنش‌ها میان ایران و برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌اوج رسیده است. به نظر می‌رسد این اقدام مجلس بیش از آنکه نشانه‌ای از قطع همکاری کامل باشد، تلاشی برای فشار دیپلماتیک و اخذ امتیاز در مذاکرات احتمالی آینده باشد؛ با این حال، آنچه نگرانی‌ها را افزایش داده است، شکل اجرای مصوبه و نحوه واکنش نهادهای بین‌المللی است. اگر اجرای این مصوبه به بستن کامل درهای نظارتی آژانس منجر شود، این مساله می‌تواند مسیر ایران را به سمت فصل هفتم منشور ملل متحد سوق دهد؛ سناریویی که تهران همواره خواسته از آن اجتناب کند.

البته در مقابل، برخی تحلیل‌گران این مصوبه را اقدامی منطقی در جهت صیانت از امنیت ملی و پاسخ به سکوت آژانس در برابر تهدیدها و حملات مکرر به تأسیسات هسته‌ای کشور می‌دانند. در نهایت، باید دید که مسیر تعامل ایران با آژانس در آینده چگونه رقم خواهد خورد. آیا این مصوبه آغازی بر گسست جدی است یا ابزاری برای بازتنظیم موازنه در تعاملات هسته‌ای و بین‌المللی؟



زنسکی و ترامپ در لاهه

حضور روسای جمهور آمریکا و اوکراین در نشست ناتو به چه معناست؟



تغییری در ظاهر زنسکی؛ پیامی فراتر از لباس

ولادیمیر زنسکی، رئیس جمهور اوکراین که از آغاز جنگ با روسیه همواره با لباس‌های سبز نظامی در مجامع جهانی حضور یافته بود، این بار، با لباسی رسمی و متفاوت در نشست ناتو شرکت کرد؛ تغییری که از چشم رسانه‌ها و تحلیل‌گران پنهان نماند و به‌عنوان پیامی نمادین تعبیر شد. این نخستین بار از زمان آغاز تهاجم روسیه در فوریه ۲۰۲۲ است که او بدون یونیفرم نظامی مقابل دوربین‌ها قرار می‌گیرد.

تحلیل‌گران معتقدند این انتخاب زنسکی، پاسخی حساب‌شده به انتقادهایی است که پیش‌تر در سفر او به آمریکا مطرح شده بود. در آن دیدار که با دونالد ترامپ و معاونش جی‌دی ونس برگزار شد، برخی سیاستمداران آمریکایی از پوشش غیررسمی او انتقاد کرده بودند. آن دیدار با اختلافات لفظی و بازتاب گسترده رسانه‌ای همراه شد و به‌نوعی نماد فاصله رفتاری میان رهبران دو کشور تعبیر شد.

این بار، زنسکی ظاهراً با انتخاب پوششی دیپلماتیک‌تر، کوشیده تا ضمن ارسال پیامی از آمادگی برای گفت‌وگوهای سطح بالا، فضا را برای تعامل سازنده‌تر فراهم کند. در عین حال، این اقدام می‌تواند نشانه‌ای از عبور تدریجی دولت

در حالی که جهان با بحران‌های امنیتی در خاورمیانه و تداوم جنگ اوکراین مواجه است، نخستین نشست سران ناتو از زمان بازگشت مجدد دونالد ترامپ به کاخ سفید، در فضایی پرتنش و نگران‌کننده برگزار شد. نشست اسما که با حضور رهبران کشورهای عضو در شهر لاهه هلند برگزار شد، اگرچه از نظر زمان کوتاه بود اما از نظر پیام‌ها و حواشی، توجه بسیاری را به خود جلب کرد. اروپایی‌ها که نگران تغییر رویکرد آمریکا در قبال ناتو و حمایت از متحدانش هستند، امیدوار بودند رئیس جمهور ایالات متحده نشانه‌ای از تعهد و همبستگی بدهد. این امیدها در بیانیه نهایی نشست تا حدی بازتاب یافت؛ جایی که اعضای ناتو، بار دیگر بر تعهد خود به دفاع جمعی تأکید کرده و هدف افزایش بودجه‌های دفاعی تا سقف ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۳۵ را تصویب کردند؛ اقدامی که مستقیماً در پاسخ به فشارهای ترامپ و تهدید فزاینده روسیه عنوان شد. از دیگر محورهای مهم نشست، برنامه‌ریزی برای دیدار میان ترامپ و ولادیمیر زنسکی، رئیس جمهور اوکراین، بود. این دیدار که برای بعدازظهر چهارشنبه برنامه‌ریزی شده بود، به‌نظر می‌رسد، نقش مهمی در تعیین مسیر حمایت‌های غرب از اوکراین در ماه‌های آینده ایفا کند.

ادامه تیتربیک

اوکراین از فضای صرفاً نظامی به مرحله‌ای از دیپلماسی فعال نیز تلقی شود؛ مرحله‌ای که به‌گفته برخی ناظران، برای بقای اوکراین در معادلات جهانی، حیاتی خواهد بود.

در مجموع، می‌توان این‌طور ارزیابی کرد که نخستین نشست سران ناتو پس از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، نه تنها صحنه‌ای برای بازتعریف مواضع امنیتی غرب در برابر تهدیدات منطقه‌ای و جهانی بود، بلکه جلوه‌ای از تغییرات نمادین و راهبردی در رفتار رهبران حاضر نیز به‌همراه داشت. اعلام هدف جدید ناتو برای افزایش بودجه نظامی تا ۵ درصد تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۳۵، گامی در جهت پاسخ به فشارهای فزاینده ترامپ و نیز نگرانی‌های امنیتی اروپا در برابر

روسیه تلقی می‌شود. از سوی دیگر، ظاهر متفاوت ولادیمیر زنسکی، رئیس جمهور اوکراین، در این نشست پیامی فراتر از تغییر لباس داشت؛ نشانه‌ای از ورود آگاهانه‌تر کی‌یف به عرصه دیپلماسی رسمی در کنار ادامه مقاومت نظامی. در حالی که دیدار آتی ترامپ و زنسکی می‌تواند مسیر حمایت آمریکا از اوکراین را مشخص‌تر کند، این نشست بیش از هر زمان دیگری بر شکاف‌ها، انتظارات و تغییرات درون ناتو و در روابط فرآتلانتیکی تأکید کرد. ناتو اکنون در مقطعی حساس قرار دارد؛ نقطه‌ای که باید میان منافع ملی اعضا، واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و انتظارات جمعی توازن برقرار کند که اقدامی دشوار در دورانی پر از بی‌ثباتی، جنگ و تردید قلمداد می‌شود.

آمریکا

انتشار محرمانه‌ها

چرا واشنگتن از درز گزارش اطلاعاتی تجاوز آمریکا به ایران نگران است؟

بیت هگست، وزیر دفاع ایالات متحده اعلام کرد دفتر تحقیقات فدرال آمریکا (اف.بی.آی) در حال تحقیق و بررسی پیرامون این موضوع است که چطور محتوای یک گزارش نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده پیرامون ارزیابی‌های مقدماتی حملات هوایی به ایران علنی شده است. رئیس پنتاگون (چهارشنبه) در گفت‌وگو با خبرنگاران در محل اجلاس سران ائتلاف ناتو که از دیروز در شهر لاهه هلند آغاز شده است، تصریح داشت: «ما هم‌اکنون از طریق اف.بی.آی در حال تحقیق درباره درز اطلاعات هستیم چراکه این اطلاعات، صرفاً برای اهداف داخلی بود».

مارکو رویو، وزیر امور خارجه آمریکا (چهارشنبه) گزارش‌های رسانه‌ای را مبنی بر این که حملات آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران با وجود ادعای «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا مبنی بر معدوم شدن آنها، تنها آسیب دیده و چند ماه برنامه هسته‌ای ایران را به‌تعویق انداخته است، «اشتباه» خواند.

با این حال، رویو در گفت‌وگویی با نشریه پالتیکو در این باره گفت: از اظهارنظر درباره این گزارش‌ها بیزارم چراکه اولین گزارش‌ها اغلب نادرست هستند و کسی که آن را منتشر می‌کند، طبق یک دستورکار اقدام به این کار می‌کند. این گزارش اشتباه است و نباید منتشر شود چراکه بازتاب‌دهنده واقعیت ماجرا نیست. پیش‌تر (سه‌شنبه)، رسانه‌های آمریکایی شامل سسی‌ان‌ان و نیویورک تایمز گزارش دادند بر اساس محتوای یک گزارش اطلاعاتی طبقه‌بندی شده با موضوع ارزیابی مقدماتی حملات تجاوزکارانه آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران در یکم تیر، این حملات آمریکا باعث نابودی و متوقف شدن برنامه هسته‌ای ایران نشده و تنها چند ماه آن را به‌عقب انداخته است. روزنامه نیویورک تایمز نوشت حملات آمریکا، ورودی‌های این تاسیسات را مهر و موم کرده اما ساختمان‌های زیرزمینی را از بین نبرده است.



عراق و موضوع قطعنامه ۵۹۸، تجربه خوبی در این عرصه دارد و از سوی دیگر از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶، به‌عنوان نماینده ایران در سازمان ملل مشغول به خدمت بوده است که همین مساله، بازگوکننده تجربه او است.

بدون‌شک، محمدجواد ظریف را باید از آن دسته چهره‌هایی دانست که در عرصه دیپلماسی همه‌فرد حریف است. او نه تنها در زمان حضور در سازمان ملل، بلکه در هشت‌سالی که وزیر خارجه ایران بود و توانست برجام را به ثمر برساند، تجربه دیپلماسی چندجانبه را در بالاترین سطوح به نام خود ثبت کرد. آنچه ظریف را در این بره زمانی بیش از هر چیز ارزشمندتر می‌کند، توان مانور او در عرصه دیپلماسی رسانه‌ای است. او نه تنها به‌عنوان یک مقام دیپلماتیک پیشین ایران، بلکه به‌عنوان یک استاد دانشگاه کهنه‌کار در حوزه روابط بین‌الملل هم از حیث علمی و هم از منظر ساختاری، بر ظرفیت‌ها و درهم‌تپیدگی‌های نظام بین‌الملل اشراف دارد و اظهارات او به همین جهت نه تنها «برای ایران و ایرانی» بلکه برای تحلیل‌گران، اندیشمندان، سیاستمداران و حتی اندیشکده‌ها و رسانه‌های جهان حائز اهمیت است و در این بره او می‌تواند به‌شدت مفید واقع شود.

همچنین، علی‌اکبر صالحی را هم باید از آن دسته مهره‌هایی در عرصه دیپلماسی دانست که می‌تواند نقش چندضلعی ایفا کند. او تجربه کار با محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران را دارد و سپس در دولت یازدهم و دوازدهم ریاست سازمان انرژی اتمی را بر عهده داشت که مقطع حساسی در تاریخ دیپلماسی ایران و به‌خصوص سازمان انرژی اتمی به‌حساب می‌آید چراکه او علاوه بر ظرفیت بالایی علمی، در عرصه اجرایی، به‌خصوص در زمانی که نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود، تجربه بسیار خوبی را کسب کرد.

به‌موازات این، می‌توان از سایر دیپلمات‌ها و چهره‌های شاخص در حوزه روابط بین‌الملل هم در امر دیپلماسی منطقه‌ای، فرماندهی و دیپلماسی رسانه‌ای-عمومی استفاده کرد که می‌توان به سعید امیرسعید ایرانی سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل، مجید تخت‌روانچی معاون سیاسی وزیر خارجه، سیدحسین موسویان دیپلمات و مذاکره‌کننده پیشین ایران، سیروس نصری، محمود واعظی، پیروز مجتهدزاده، رضا نصری، محمدحسین عادل، مهدی سنایی، محمد فرازمنند، ناصر هادیان و... اشاره کرد.

دیپلمات‌ها به خط شوند

«آمریکایی‌ها به‌طور مداوم قبل و بعد از تجاوز، پیام‌هایی از طریق کانال‌های مختلف برای ما ارسال کرده‌اند که امری طبیعی است، زیرا موضوعاتی وجود دارند که باید تبادل شوند. ما پیام‌های آنها را دریافت کردیم و از طریق میانجی‌ها و کانال‌های غیرمستقیم به آنها پاسخ لازم را دادیم که این در دیپلماسی رایج است».

عراقچی در ادامه اظهار می‌کند که «هدف، جلوگیری از سوء تفاهم، مهار تشدید تنش و روشن کردن مواضع برای یکدیگر بود. ما به همه میانجی‌ها تأکید کردیم که ایران تا زمانی که تجاوز متوقف نشود، به میز مذاکره با ایالات متحده بازخواهد گشت و مسیر دیپلماتیک را از سرخواهیم گرفت. این موضع را به میانجی‌ها اعلام کردیم و برای اروپایی‌ها نیز توضیح دادیم. فکر می‌کنم آنها اکنون موضع ما را به خوبی درک کرده‌اند و باید منتظر بمانیم تا ببینیم چه آینده‌ای خواهد افتاد».

اما در این میان، باید به سایر چهره‌هایی که سال‌ها در حوزه

آنچه در این مسیر و به‌خصوص در شرایط کنونی باید در دستورکار قرار بگیرد این است که باید موضوع دیپلماسی در وضعیت امروز به بعد، ضریب بیشتری به خود بگیرد چراکه دولت‌های منطقی و فرمانده به‌خوبی توان نظامی ایران و نتایج عملی آن را درک کردند؛ حالا نه تنها در سطح رسانه‌ای بلکه در بالاترین سطوح نظامی، این توانایی‌ها در حال تشریح و آنالیز هستند. به‌عنوان مثال برد کوپر، معاون فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) سه‌شنبه، در جلسه استماع کمیته نیروهای مسلح سنای ایالات متحده حاضر شد و به پرسش‌های قانون‌گذاران آمریکایی درباره تحولات خاورمیانه پاسخ داد. او در بخشی از توضیحاتش به قانون‌گذاران سنا درباره توان نظامی ایران به‌خصوص پس از پاسخ به ایالات متحده در پایگاه العدید با صراحت گفت که آنها قابلیت تاکتیکی قابل‌توجهی دارند که (دوشنبه) عناصر آن را در دفاع از پایگاه هوایی العدید مشاهده کردیم.

از این دست مواضع به‌وفور در چند روز گذشته دیده می‌شوند که اثبات‌کننده توان پدافندی-آفندی ایران هستند؛ حالا نوبت به آن رسیده که برای رسیدن به صلح دائمی و پایدار تمامی ظرفیت‌ها و توان دیپلماتیک ایران بیش از گذشته فعال شود.

فعال‌سازی تمام ظرفیت‌های دیپلماتیک

اینکه فقط بگویم باید از ظرفیت دیپلماسی در بالاترین حد استفاده شود، به‌معنای آن نیست که فقط وزارت خارجه، شخص وزیر و یا نمایندگی‌های ایران در سراسر جهان باید این مهم را عملیاتی کنند بلکه باید از تمام ظرفیت دیپلمات‌های برجسته کشورمان به‌خوبی و در جای درست استفاده شود.

سیدعباس عراقچی که حالا سکان‌دار دستگاه دیپلماسی کشورمان است، از ابتدای شروع به کار خود، تمام‌قد «برای ایران» وارد میدان شد و حتی در ۱۲ روز جنگ اخیر هم دائماً در سفر بود. او با توجه به اشرافی که در گذشته و به‌دلیل حضور در مذاکرات برجامی دارد، به‌خوبی ظرفیت‌های دیپلماسی را درک می‌کند. تجربه او در زمان سفارتش در ژاپن هم برای او و هم برای کشور می‌تواند مفید واقع شود و حتی می‌توان استفاده کرد. در این راستا، عراقچی صراحتاً مواضع ایران را در مورد بازگشت به میز مذاکره اعلام کرده است. به‌گزارش ایرنا، او در جدیدترین مصاحبه خود با العربی‌الجدید، در مورد اینکه آیا پس از حملات ایالات متحده به تاسیسات هسته‌ای کشورمان، پیامی از سوی واشنگتن به تهران ارسال شده یا خیر، می‌گوید:



دیپلماسی فعال بودند و حالا می‌بایست از ظرفیت آنها استفاده شود هم اشاره کرد.

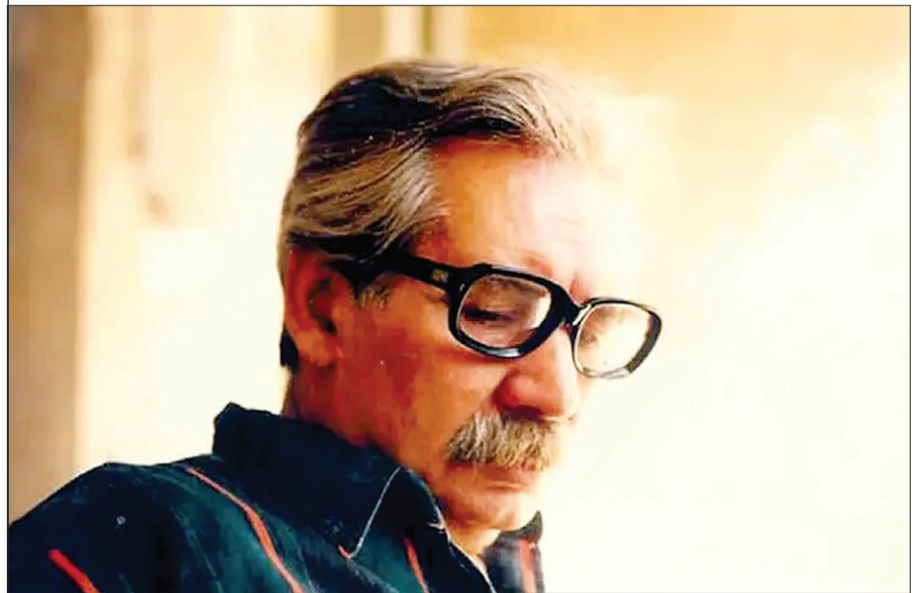
علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل یکی از این اشخاص است. او از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶، وزیر خارجه ایران بود و حتی ریاست مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام را در کارنامه خود دارد و می‌تواند از ظرفیت‌ها و تجارب خود در جهت فعال‌سازی کانال‌های دیپلماسی به‌خصوص در عرصه منطقه‌ای استفاده کند.

کمال خرازی هم از آن دسته افرادی است که می‌توان از ظرفیت‌های آن در شرایط کنونی به‌خوبی بهره برد. او نه تنها تجربه وزارت خارجه را در کارنامه خود دارد، بلکه ریاست شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را نیز بر عهده داشته و به‌خوبی بر پیچیدگی‌های دیپلماسی اشراف دارد. نکته دیگر این است که خرازی در دوران جنگ ایران و

ویترین: کتاب مقاومت

زیر سایه جنگ

زمین سوخته احمد محمود روایت ۳ ماه نخست جنگ تحمیلی است

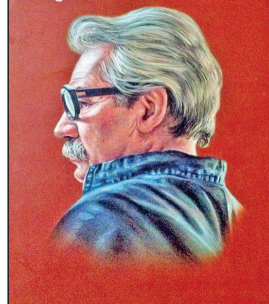


«زمین سوخته» احمد محمود از شاخص‌ترین رمان‌های روای جنگ تحمیلی است؛ روایتی از روزهای آخر تابستان و پاییز ۱۳۵۹. راوی که با مادر، خواهر و دو برادرش در اهواز زندگی می‌کند همچون دیگر اهالی منطقه شاهد آغاز جنگ است. جنگی که در آغاز جدی انگاشته نمی‌شود اما خیلی زود تبعات آن دامن‌گیر مردم و دولت می‌شود. احمد محمود درباره نگارش رمان «زمین سوخته» گفته: «وقتی خبر کشته شدن برادرم را در جنگ شنیدم، از تهران راه افتادم رفته جنوب... تمام این مناطق را رفتم... وقتی برگشتم، واقعاً دلم تلنبار شده بود. دیدم چه مصیبتی را تحمل می‌کنم اما مردم چه آرامند. چون تا تهران موشک نخورد، جنگ را حس نکردند. دلم می‌خواست لااقل مردم مناطق دیگر هم بفهمند چه اتفاقی افتاده است. همین فکر وادارم کرد زمین سوخته را بنویسم.» بابک عطا، پسر محمود هم می‌گوید: «عموم مردم به جبهه شهید شد و زمانی که پدر، به فصلی رسید که می‌خواست در آن، مرثیه شهادت برادر را بنویسد، زار زار می‌گریست و حتی از ناراحتی، به مدت سه شب تب کرد.» وقتی «زمین سوخته» منتشر شد، خیلی از روشنفکران به محمود اعتراض کردند و گفتند او زمانی به نفع حاکمیت نوشته و از سوی دیگر عده‌ای گفتند این رمان، جنگ را به نفع چپ‌ها تفسیر کرده است. محمود در گفت‌وگو با لیلی گلستان در کتاب «حکایت حال» می‌گوید: «می‌دانم که این کتاب، ده بیست سال دیگر معنای دیگری پیدا خواهد کرد.»

تصویرهای او از زندگی مردم در دل جنگ به تاش‌هایی می‌ماند که نقاش با ضربات قلم بر تابلوی نقاشی می‌زند؛ به عکس‌های فوری از لحظه‌های درد و فاجعه. در «زمین سوخته» فرصتی برای داستان‌پردازی نیست. همه چیز تند و سریع روایت می‌شود تا تصاویر در لحظه ثبت شوند و در تاریخ باقی بمانند تا آیندگان ببینند مردم چگونه در متن جنگ روزگار گذرانده‌اند و چطور با جنگ مواجه شده‌اند و چه تجربه آخر زمانی‌ای را از سر گذرانده‌اند. در «زمین سوخته» هم چنین می‌بینیم که چطور مکان‌های زندگی روزمره، از معنای همیشگی‌شان تهی می‌شوند و تغییر شکل پیدا می‌کنند. خانه‌ها خالی می‌شوند و اداره‌ها می‌شوند محل زندگی. «زمین سوخته» روایتی زنده از زیستن در متن فاجعه و زیر سایه مرگ است و روایت انواع روش‌هایی که مردم برای تاب‌آوری فاجعه و از سر گذراندن آن خلق می‌کنند. این رمان هم‌چنین روایت زندگی‌هایی است که جنگ آن‌ها را از هم می‌پاشد؛ روایت فقدان عزیزان، سوگ، جاکن شدن و سرگردانی در وضعیتی که انسان‌ها ناغافل در آن گرفتار شده‌اند. محمود در این رمان از منظرهای مختلف به زیست مردم و مصائب آن‌ها در متن جنگ نگاه می‌کند و صداهای مختلف را بازتاب می‌دهد، به همین دلیل در این رمان با سندی زنده از زندگی دشوار مردم در شرایط جنگی مواجهیم. محمود «زمین سوخته» را در همدلی با مردم گرفتار جنگ نوشت. این همدلی را در سراسر این رمان به خوبی می‌توان دید. راوی رمان او گویی گام‌به‌گام با مردم و در کنار مردم در دل جنگ پیش می‌رود، به همه‌جا سرک می‌کشد، گوش تیز می‌کند که همه‌چیز را خوب بشنود، چشم می‌گرداند همه‌چیز را خوب ببیند تا درد مردم جنگ‌زده را تا جای ممکن با جزئیات و نه صرفاً با کلی‌گویی، روایت کند. «زمین سوخته» داستان یک درد جمعی است. داستان مردمی که دنبال جنگ نیستند و جنگ به‌زور خود را به آن‌ها تحمیل کرده است. احمد محمود در «زمین سوخته»، آشفستگی وضعیت کشور را حین شروع جنگ به تصویر می‌کشد. زندگی‌های آرام و در جریان‌ی که ناگاه ویران می‌شوند و امنیتی که به شکل باورنکردنی از بین می‌رود. در حالیکه مردم خوش خیالانه فکر می‌کنند چند روز بعد قرار است دوباره همه چیز به روال سابق برگردد... اما کم‌کم در این شرایط سخت، اتفاقاتی می‌افتد که نشان می‌دهد جنگ، چقدر آدم‌ها را تغییر می‌دهد.

زمین سوخته

احمد محمود



زمین سوخته

احمد محمود

انتشارات معین

۳۲۹ صفحه

۳۴۰ هزار تومان

الگوهای وطن‌پرستی

روایت بهمن نامور مطلق از کارکرد اسطوره در روزهای جنگ و مقاومت

اسطوره‌های تاریخی آریو برزن و سورنا

این اسطوره‌شناس «آریو برزن» در دوره هخامنشیان و «سورنا» در دوره اشکانیان را اسطوره‌های تاریخی می‌داند و می‌گوید: «آریو برزن در نبرد با اسکندر دلاوری‌های بسیاری می‌کند و اگر خیانت نبود، چه‌بسا بر اسکندر پیروز می‌شد. سورنا در مقابل کراسوس رومی می‌ایستد، با وجود این که سربازانش ۱۰ هزار نفر بودند و سربازان کراسوس ۴۰ هزار نفر. کراسوس همه را شکست داده بود، اسپارتاکوس را کشته بود و آمده بود ایران را هم فتح کند و به عنوان بزرگ‌ترین امپراتور به روم برگردد که خودش و پسرش توسط سورنا کشته می‌شوند. تا مدت‌ها پرچم رومی‌ها در اختیار ایرانی‌ها بود و رومی‌ها داناتما در جست‌وجوی این بودند که چگونه ایرانی‌ها پرچم‌شان را به آن‌ها برگردانند. ما اسطوره‌هایی داریم که باید بازسازی و بازآفرینی شوند و از آن‌ها گفته شود تا جوان‌هایمان بدانند که الگوهای بزرگی داشتیم، الگوهایی که جان بر کف دست گذاشتند و در میدان حاضر شدند. بعضی‌ها جان خود را برای سرزمین‌شان دادند، بعضی‌ها جان ندادند اما آماده فدا کردن جان خود برای این خاک بودند.»

متجاوزان نفرین شده

نویسنده «دیرش رویی»، «پیش‌متنیت»، «گفت‌وگومندی در ادبیات و هنر» و «ادبیات تطبیقی» با تأکید بر اینکه ایران نزد ایرانیان یک خاک سساده و سرزمین ساده نیست، ایران برای‌شان سرزمین مقدس است، بیان کرد: «ایران از دیرباز برای ایرانیان سرزمین مقدسی بوده است زیرا ایرانیان مهاجر به اینجا نبوده‌اند، از قدیم در این جا بودند. البته نام ایران بعد از فریدون بر روی این سرزمین گذاشته می‌شود، پیش از آن نامش «خونیرت» بوده است. ایرانی‌ها در خونیرت یعنی مرکز زمین بودند. بعدها این سرزمین به خاطر ایرج و تقسیمات فریدون به ایران معروف می‌شود. این سرزمین از دیدگاه ایرانی‌ها، مرکز عالم بوده است. به خاطر این که ایران برای ایرانی‌ها مقدس است، خاکش و مرزهایش مقدس است، تجاوز به این سرزمین یکی از بدترین گناهان نزد ایرانی‌ها محسوب می‌شود. تجاوز

بهمن نامورمطلق، استاد دانشگاه و اسطوره‌شناس درباره کارکرد اسطوره در این روزهای کشورمان می‌گوید: «بر اساس دیدگاه اسطوره‌شناسی ژرژ دومزیل، جوامع هندوایرانی و به‌طور کلی هندواروپایی سه طبقه دارند: شهریاران، جنگ‌اوران و پیشه‌وران (مردم) که هرکدام وظایفی دارند و باید آن را انجام بدهند. زمانی که جنگ آغاز می‌شود چند عرصه در نبرد باز می‌شود؛ یکی سلحشوران، پهلوانان و جنگ‌اوران هستند که کار آن‌ها پاسداری از مرزها و پاسداری از امنیت مردمان و کشور است. دوم شهریاران را رهبران هستند و کاری که انجام می‌دهند، رهبری معنوی مردم، نظم‌دادن و امیددادن به آن‌ها است. سوم پیشه‌وران هستند؛ کاری که وظیفه مردمان است، بیشتر حمایت کردن و منسجم بودن است.»

آرش اسطوره‌ای پیشاتاریخی

نامور مطلق در گفت‌وگو با ایسنا بیان این که ایرانیان هم اسطوره‌های پیشاتاریخی دارند و هم اسطوره‌های تاریخی، تصریح کرد: «اسطوره‌های پیشاتاریخی، اسطوره‌هایی هستند که مرجعیت تاریخی برای آن‌ها نداریم، اما در کتاب‌های کهن ما مثل «اوستا» و «بندش» یا کتاب‌های حماسی و روایت‌های پهلوی آمده‌اند. «آرش» یکی از اسطوره‌های پیشاتاریخی ماست که جاننش را برای صیانت و پاسداری از مرزهای ایران‌زمین می‌دهد. در دوره پادشاهی منوچهر، زمانی که ایرانی‌ها توسط افراسیاب محاصره می‌شوند، با پادرمیانی سپندارمذ قرار می‌شود یک نفر تیری بیندازد و تیر او موجب مشخص شدن مرزها شود. به‌دنبال آرش می‌روند. آرش که سالم، پرومند و تقریباً میان‌سال است در مقابل شاه و مردمان پیراهن خود را می‌کند و می‌گوید نگاه کنید من سالم و تندرست هستم و عیب و ایرادی در تن من نیست. اگر تیری رها کردم و کشته شدم بدانید که بر اثر بیماری و زخم و چیز دیگری نبوده است، فقط برای فدا شدن برای مردمان و برای وطن بوده است و تیر را رها می‌کند. افراسیاب فکر می‌کرده این تیر اندکی جلوتر به زمین می‌خورد و بخشی از قلمرو ایرانی‌ها را می‌تواند از آن خود کند اما تیر آنقدر دور می‌رود که مرزهای ما به مراتب گسترده‌تر می‌شود.»

گزارش روز

محصول استراتژیک

خدای جنگ به دلیل به تصویر کشیدن چگونگی ساخت موشک‌های ایرانی روی آنتن رفت

فیلم سینمایی «خدای جنگ» با محوریت اولین پرتاب موشکی ایران، به کارگردانی حسین دارابی، تهیه‌کنندگی سعید سعیدی و طراحی پروژه محمدرضا شرفاه، برای نخستین بار از قاب تلویزیون روی آنتن رفت. «خدای جنگ» سال گذشته در جشنواره فجر برای اولین بار روی پرده رفت و با استقبال مواجه شد. قرار بود این فیلم یکی از آثار ارکان عمومی امسال باشد اما به دلیل تشابه سوزهاش با شرایطی که این روزها پیش آمده بود و گسیل موشک‌های متنوع ایرانی به سرزمین‌های اشغالی مدیران سازمان سینمایی اوج تصمیم گرفتند آن را در قصاب تلویزیون به نمایش بگذارند تا مردم در جریان چگونگی ساخت اولین موشک‌های ایرانی آن هم در شرایط جنگ تحمیلی هشت ساله قرار گیرند. این اثر که با محوریت روایت اولین پرتاب موشکی ایران ساخته شده به شکل‌گیری یگان موشکی سپاه و نقش شهید حسن طهرانی‌مقدم پرداخته، اما هیچ بازیگری نقش مستقیم این شهید را ایفا نکرده است. این تصمیم به دلیل دشواری به تصویر کشیدن چنین شخصیتی و نیاز به آزادی در روایت داستان گرفته شد. فیلم بیشتر بر فضای تاریخی و چالش‌های فنی و نظامی تمرکز دارد تا بر جنبه‌های شخصی زندگی شهید طهرانی‌مقدم. طبق شنیده‌های قدیمی، خدای جنگ عنوانی است که آمریکایی‌ها به موشکی که ایران در زمان جنگ تحمیلی با اکتا بر توان داخلی تولید کرد، دادند. در این فیلم با مروری بر تاریخ دفاع مقدس نشان داده می‌شود که ایران به دلیل تحریم، هیچ موشکی ندارد که به سوی عراق پرتاب کند. این در حالی است که هر روز نقاط مختلف کشور از سوی صدام موشکباران می‌شود. در واقع داستان فیلم از اینجا شروع می‌شود که در بحبوحه‌ی جنگ تحمیلی ایران و عراق، دشمنان ایران برای متوقف کردن توان موشکی کشور، نقشه‌ای پیچیده طراحی می‌کنند. لیبیایی‌ها در همکاری با دشمن، قطعات کلیدی از موشک‌های ایرانی



گزارش: سینمای ایران

حضور ۷ هزار تماشاگر در سالن‌های سینما

در شرایط خاص، نیم‌بها شدن قیمت بلیت در فروش فیلم‌ها موثر بود

فروش داشته باشد. این فیلم در رتبه سوم جدول فروش هفتگی قرار دارد.

کمدی با فروش متوسط

فیلم سینمایی «خانه ارواح» به کارگردانی کپارش اسدی‌زاده و تهیه‌کنندگی امیرشهاب رضویان نیز با فروش ۸ هزار و ۲۰۰ بلیت، چهارصد و نود و نه میلیون و ششصد و هشتاد و دو هزار و سیصد و پانزده تومان فروخته است. در این فیلم پژمان جمشیدی، نازنین بیاتی، کاظم سبحی، ستاره پسیانی، نادر فلاح، سروش صحت و رضا کیانیان به ایفای نقش پرداخته‌اند و در رتبه چهارم جدول فروش هفتگی قرار دارد.

بی‌سروصدا و بی‌رواقع

فیلم سینمایی «بی‌سروصدا» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مجیدرضا مصطفوی از چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت اکران خود را آغاز کرده با بازی پیمان معادی، مهران غفوریان، هانیه توسلی، فرشته حسینی، مهدی حسینی‌نیا، مسعود کرامتی و... ساخته شده این فیلم توانست با فروش ۱ هزار و ۵۲۷ بلیت به فروشی معادل یکصد و چهارده میلیون و نهصد و نود و یک هزار و دویست و پنجاه تومان دست یابد.

فیلم‌هایی که زیر ۱۰۰ میلیون تومان می‌فروشند

فیلم سینمایی «اسفند» به نویسندگی و کارگردانی دانش آقباشاوی درباره بخشی از زندگی شهید علی هاشمی از فرماندهان دفاع مقدس است که در آن رضا مسعودی، مهدی زمین‌پرداز، یاسین مسعودی، محمد عسگری و محمدرضا عقیادی یزدی بازی کرده‌اند. این فیلم با فروش ۶۱۵ بلیت، سی و چهار میلیون و پانصد و هشتاد و سه هزار و بیست و یک تومان فروخت.

فیلم «صیاد» به کارگردانی جواد افشار و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی است و بازیگرانی چون علی سرایی، هومن برق‌نورد، مارال بنی‌آدم، نادر سلیمانی، محمدرضا هدایتی، ایوب آقاخانی، خیام قفارقاشانی، حامد شیخی، رز رضوی در آن ایفای نقش کرده‌اند. این فیلم اکران خود را از ۲۰ فروردین آغاز کرده و تا لحظه تنظیم این گزارش با فروش ۲۴۸ بلیت، پانزده میلیون و هشتصد و چهل هزار تومان فروخته است. فیلم سینمایی «وحشی» به کارگردانی سرشاره سروش کردا، رویا نونهالی، حسین محمد حسینی، پیام احمدی‌نیا، بهرام ابراهیمی، محمود نظرعلیان، دنبا نصر، روناک پوریادگار، وحید مهرین فر، رکسانا محمدرضا، امیر چنانی، نفس باغی، امیر کریمی، دانایا ابراهیمی، قیاد شاپوری، امیر حیدری، عباس خدیری در فیلم سینمایی «وحشی» بازی کرده‌اند. این فیلم با فروش ۱۷۶ بلیت توانست پانزده میلیون و سیصد و سی و چهار هزار تومان داشته باشد. فیلم سینمایی «صبح اعدام» به کارگردانی بهروز افخمی و تهیه‌کنندگی علی شیرمحمدی است و بازیگرانی چون ارسطو خوش‌رزم، مسعود شریف، داود فتحعلی‌بیگی، پوریا منجزی، مهرداد نیکام، محسن آوری، کاوه دارابی، فریبا آذرشب در آن ایفای نقش می‌کنند. این فیلم با فروش ۱۷۲ بلیت، ده میلیون و ششصد و سی و هفت هزار تومان فروخته شده است.

سینماهای کشور در هفته گذشته تحت تأثیر حمله رژیم صهیونیستی حدوداً ۷ میلیارد تومان فروش داشته است. از سحرگاه جمعه ۲۳ خرداد حمله متجاوزانه رژیم صهیونیستی به خاک ایران آغاز شد و تاکنون که حدود ۱۳ روز از این نبرد می‌گذرد فروش سینماها تحت تأثیر این اتفاق مهم قرار داشته است. سینماها از شنبه این هفته ۳۱ خرداد طبق روال گذشته اکران داشتند و بلیت سینماها نیز از یکشنبه اول تیر به صورت نیم‌بها ارائه شد. به نظر می‌رسد کاهش قیمت بلیت در آوردن مردم به سینما در این شرایط بی‌تأثیر نبوده است.

باکس اکران در هفته گذشته توانست در ۷ هزار و ۸۵۳ سانس حدود ۱۲۴ هزار و ۲۲۷ مخاطب را به سینما آورد و به فروشی معادل هفت میلیارد و هشتصد و پنجاه و نه میلیون و چهارصد و بیست و یک هزار و نود تومان دست یابد رقمی که نسبت به هفته گذشته حدود ۱۰ میلیارد کمتر است.

بیرپسر از همه پیشی گرفت

در این هفته فیلم سینمایی «بیرپسر» به کارگردانی اکتای برهانی توانست صدر جدول فروش هفتگی را به خود اختصاص دهد. همچنین فیلم سینمایی «اسفند» از دوشنبه ۲ تیر اکران آنلاین خود را آغاز کرد. فیلم سینمایی «بیرپسر» ساخته اکتای برهانی از چهارشنبه ۲۱ خرداد اکران سراسری خود را آغاز کرده است. در این فیلم بازیگرانی چون حسن پورشیرازی، لیلا حاتمی، حامد بهداد و محمد ولی‌زادگان ایفای نقش کرده‌اند. «بیرپسر» که با یک اکران در چهل و سومین جشنواره فیلم توانسته بود تحسین مخاطبان را همراه داشته باشد در یک هفته گذشته با فروش ۳۲ هزار و ۹۲۶ بلیت توانست به فروش دو میلیارد و سیصد و هشتاد و نه میلیون و سیصد و هشتاد و هشت تومان برسد و در صدر جدول فروش هفتگی قرار بگیرد.

صدام می‌فروشد

فیلم سینمایی «صدام» به کارگردانی پدram پورامیری و تهیه‌کنندگی مجتبی رشوند از ۱۷ اردیبهشت اکران خود را آغاز کرده است. در این فیلم بازیگرانی چون رضا عطاران، پریناز ایزدیزر، آزاده صمدی، عباس جمشیدی‌فر، امیراحمد قزوینی و سیاوش چراغی‌پور به ایفای نقش پرداخته‌اند. «صدام» در این هفته ۳۷ هزار و ۴۲۰ بلیت فروخته و به فروشی حدوداً دو میلیارد و یکصد و هشتاد و نه میلیون و سیصد و نود و پنج هزار و یکصد تومان دست یافته است. این فیلم در رتبه دوم جدول فروش هفتگی قرار دارد.

سلام علیکم حاج آقا سوم شد

فیلم سینمایی «سلام علیکم حاج آقا» به کارگردانی و نویسندگی حسین تبریزی از ۲۷ اردیبهشت اکران خود را آغاز کرده است. این فیلم با بازیگرانی از جمله حمید گودرزی، لیلیا اودادی، علی صادقی، رز رضوی، زهرا جهرمی، سوسن پرور، ارزنگ امیرفضلی، مهران رجبی، محمدرضا شریفی‌نیا و پوریا پورسرخ توانست با فروش ۱۵ هزار و ۲۷۴ بلیت، هشتصد و نود و چهار میلیون و چهارصد و شانزده هزار و هشتصد و بیست و هشت تومان

به شخصیت‌های واقعی، حقیقی‌ترند زیرا از واقعیت‌های بی‌شمار برگرفته شده‌اند. رستم شاید شخصیت خیالی باشد اما مصداق‌های بی‌شماری بوده که بر اساس آن روایت رستم شکل گرفته است. اسفندیار هم همین‌طور. اگر اسفندیار برای ما ارزش دارد به این دلیل است که در مقابل ارجاسب ایستادگی کرد؛ ارجاسبی که زرتشت و لهراسب را کشت و ایران را اشغال کرد. اسفندیار با گذر از هفت‌خان، نهایتاً او را ازین برد و به همین دلیل نزد ایرانیان عزیز است. اگر اسفندیار با ارجاسب نبرد نمی‌کرد، برای ما خیلی ارزشمند محسوب نمی‌شد زیرا او در مقابل رستم ایستاده بود. همواره سعی‌مان در نبرد بر این است که انسجام میان شهریاران، جنگاوران و پیشه‌وران با هم، پیشه‌وران در میان خود و جنگاوران در میان خود و دستگاه شهریاری میان خود، حفظ شود.»

اعتماد به دشمن، اشتباه بزرگ سیاوش

نامورمطلق یکی از اشتباهات بزرگ در تاریخ را اعتماد به دشمن خواند و توضیح داد: «سیاوش شخصیت بسیار پاک و دل‌آوری دارد. او تربیت‌شده رستم است و به‌نوعی فرزند دوم او حساب می‌شود. تنها اشتباهی که سیاوش مرتکب شد این بود که به دشمن اعتماد کرد و به خاطر مشکلاتی که سودابه و کی‌کاوس برایش به وجود آورده بودند، به افراسیاب و توران پناه برد. به نظر اشتباه بزرگی بود، اگر با تمام مشکلات پیش پدرش و سودابه برمی‌گشت یا به زالستان می‌رفت، بهتر بود. افراسیاب در ابتدا از او استقبال کرد و حتی دخترش فرنگیس را به عقد او درآورد اما پس از چند ماه به تحریک گریسوز و عده‌ای دیگر از بدخواهان، گفت سر او را از تش جدا کنند و آن فاجعه بزرگ اسطوره‌شناسی ایرانی، شهادت سیاوش به وجود آمد. خون سیاوش بر زمین ریخته شد و ایرانیان چنان شورش کردند که رستم تا پایتخت توران رفت و آنجا را گرفت. یکی دیگر از جلوه‌های این اشتباه بهرام چوبین است. بهرام چوبین در درگیری با خسرو به خاقان چین پناهنده شد تا از آن‌جا با ارتشش به طرف ایران بیاید و شهریاری را از خسرو بگیرد اما در همان جا به شکل رموزی کشته شد. خواهرش، گودرز، خلیه به او گفت ایمن کارا نکند. ما زنان مرزدار کم نداریم که یکی از بزرگترین‌شان گردآفرید است که در مقابل سهراب نبرد کرد. نبردی شجاعانه و حتی شجاعانه‌تر از مردانی که با سهراب نبرد کرده بودند. این‌ها برای ما ارزش‌های بزرگی هستند زیرا سعی کردند از این سرزمین مقدس پاسداری کنند. هرکس که بگوید و از این سرزمین پاسداری کند، برای ما ایرانیان ارزشمند است. ما الگوهای برای پاسداری از سرزمین‌مان و مبارزه و نبرد با دشمنان در اختیار داریم و یکی از کارهای بزرگ ما این است که روایت‌های این الگوها را بازتولید کنیم تا جوانان و نوجوانان در جریان آن قرار بگیرند و بدانند در چه سرزمین مقدسی دارند زندگی می‌کنند.»



کردن به ایران از بزرگترین گناهان ممکن است و برای همین هرکس که به این سرزمین تجاوز می‌کند، نفرین می‌شود. اسکندر در ادبیات ما «اسکندر گُجستک» یعنی نفرین‌شده است. اسکندر به دلیل خیانت‌ها و به نادانی در پیوستن دارا (سوم) توانست ایران را اشغال کند و ایرانی‌های بسیاری ایجاد کند.

حمله عامل انسجام

او در ادامه گفت: «نفس حمله به ایران باعث می‌شود ایرانیان انسجام پیدا کنند زیرا به ناموس و ارزش‌ها و مقدساتشان حمله می‌شود. حمله به ایران، خودبه‌خود برای ایرانیان آگاه، موجب انسجام می‌شود؛ هرچند که با هم اختلاف و نقد داشته باشند. رستم کسی بود که به شهریار زمان خود، یعنی «کی‌کاوس» نقدهای زیادی داشت و گاه با صراحت و تندی او را نقد می‌کرد. زال و گودرز هم کی‌کاوس را نقد می‌کردند اما همین‌که می‌شنیدند افراسیاب و تورانیان برای حمله به ایران به لب مرز رسیدند، همه با هم منسجم می‌شدند. همه آن‌هایی که نقد داشتند جلوتر از همه و رستم پیش‌تر از همه در مقابل افراسیاب و تورانیان ایستادگی می‌کردند. در واقع زمانی که پای ایران به میان می‌آمد، تمام اختلاف‌ها و نقدها را فراموش می‌کردند و جمع می‌شدند تا از این سرزمین مقدس صیانت کنند. میان منتقد و خائن، فرق کهکشانی وجود دارد. کسانی که خیانت می‌کردند با دشمن همراهی می‌کردند و کسانی که نقد داشتند و دنبال اصلاح امور بودند، وقتی شرایط را شرایط جنگی می‌دیدند، نقد را کنار می‌گذاشتند و یک انسجام پولادین در مقابل دشمن پیدا می‌کردند. اگر رستم داستان شخصی داشت برای ما این قدر ارزشمند نبود، رستم به خاطر این‌که پاسدار این سرزمین بوده و بارها ایران را نجات داده و در جنگ موجب پیروزی ایران شده برای ما ارزشمند است، هرچند یک شخصیت خیالی باشد. در اسطوره‌شناسی مهم نیست شخصیتی خیالی است یا واقعی. اصولاً بر اساس اسطوره‌شناسی شخصیت‌های خیالی در بسیاری موارد نسبت

این عملیات استفاده می‌کند، اراده و هوش ایرانیان بار دیگر نتیجه می‌دهد و با تلاش شبانه‌روزی، قطعات جایگزین شده و موشک‌ها آماده پرتاب می‌شوند.

محمدرضا شفا، طراح پروژه، ادعا کرد که فیلم «خدای جنگ» پیوست رسانه‌ای عملیات و عده صادق (حمله موشکی ایران به پایگاه‌های آمریکا در عراق) است. او تأکید کرد که این فیلم باید به جهان معرفی شود و مسئولان باید آن را یک فیلم بین‌المللی بدانند. این اظهارات در جشنواره فجر باعث شد برخی تحلیل‌گران فیلم را بیش از حد سیاسی بدانند.

محمدجواد ظریف، وزیر سابق امور خارجه، در کاخ جشنواره به تماشای فیلم نشست که حضور او مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان، پس از تماشای فیلم از آن تمجید کرد و آن را نمایشی از ایستادگی و مجاهدت مردم ایران دانست.

حسین دارابی در مصاحبه‌ای اشاره کرد که برخی نهادها حساسیت زیادی نسبت به این فیلم داشتند و بارها مانع تولید آن شدند. او از نبود یک نهاد مشخص برای تصمیم‌گیری درباره فیلم‌های تاریخی-نظامی انتقاد کرد و گفت که در سینمای ایران هر نهاد می‌تواند به بهانه‌های



مختلف جلوی یک فیلم را بگیرد و اعلام کرد که فیلمنامه خدای جنگ پنج سال توقیف بوده است. دلیل این توقیف حساسیت‌های برخی نهادها و مشاورانی عنوان شد که معتقد بودند فیلم به واقعیت نزدیک نیست. او تأکید کرد: برخی افراد با نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها، جلوی تولید فیلم را گرفتند، در حالی که بخش‌های مرتبط با نیروی هوافضای سپاه پاسداران از پروژه حمایت کرده بودند. کارگردان و نویسنده فیلم تأیید کردند که در بخش‌هایی از داستان، تغییراتی ایجاد شده و فیلم اقتباسی آزاد از وقایع تاریخی است. شخصیت اصلی داستان (ابراهیم شریفی) به طور کامل ساخته ذهن نویسندگان بوده و معادل واقعی ندارد.

سومین ساخته حسین دارابی پس از فیلم «مصلحت» و «هناس» یکی از موضوعات و مضامین مرتبط با توان علمی و داخلی ایرانیان را در برهه‌ای سخت به تصویر می‌کشد. فیلم نشان می‌دهد که ما برای آنچه که امروز داریم، چقدر فداکاری کرده‌ایم. «خدای جنگ»، یکی از موضوعات و مضامین مرتبط با توان علمی و داخلی ایرانیان را در برهه‌ای سخت به شکلی واقع‌گرایانه و جذاب بیان می‌کند. کارگردانی دارابی در این فیلم نسبت به دو فیلم تفاوت قابل توجهی را نشان می‌دهد. بازی گرفتن از بازیگران، ریتم و ضرباهنگ فیلم، خرده‌داستان‌هایی که به خوبی به هم متصل می‌شوند، قهرمانی که به درستی تعریف و ساخته و پرداخته شده و درامی که به خوبی و مستحکم شکل می‌گیرد از ویژگی‌های بارز این اثر است که این فیلم را از دیگر آثار او متمایز می‌کند. انگار کارگردانی دارابی در این فیلم به بلوغ رسیده و یا اینکه این اثر را با دغدغه و نزدیکی روحی و روانی بیشتری به داستان ساخته که توانسته اثری در خور و باارزش و ساختار درست سینمایی خلق کند.

احمدرضا درویش، از کارگردانان برجسته سینمای جنگ ایران درباره این فیلم می‌گوید: در «خدای جنگ» با تصاویری روبه‌رو هستیم که تکراری نیست و لحظاتی را از دفاع مقدس می‌بینیم که در پشت صحنه رخ داده و تاکنون از چشم مخاطب غافل مانده است. به نظر می‌رسد مخاطب جوان و امروزی به این اثر اقبال نشان خواهد داد چرا که نقطه اصلی فیلم توجه به امید، غرور ملی و اتکا به توانایی و داشته‌های ملی است.»

با اینکه این فیلم با بی‌مهری داوران جشنواره فجر روبرو شد اما نمایش آن در این روزها نشان می‌دهد که «خدای جنگ» محصولی استراتژیک است که به‌در روزهای اینچنینی می‌خورد. چراکه می‌تواند نقش مهمی در آگاهی بخشی درباره برهه‌های مهم از تاریخ این مملکت و تلاش‌های متخصصان جوانش ایفا کند.





دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بازار بی خیالی

چرا سرمایه‌گذاران به اخبار بی‌توجه‌اند؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

جنگ موشکی در خاورمیانه از ژوئن ۲۰۲۵ شدت گرفته است. معاملات آتی (S&P۵۰۰) در ۱۳ ژوئن، هم‌زمان با آغاز بمباران‌ها، ۱/۶ درصد سقوط کرد اما ساعتی بعد، بازار سهام روند صعودی خود را از سر گرفت. اکنون در ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵، شاخص «S&P۵۰۰» به حدود ۶۱۰۰ واحد رسیده است و فاصله اندکی با اوج تاریخی خود دارد. این نوسان‌ها، بازتاب شعار جدیدی در بازار است: «هیچ اتفاقی نمی‌افتد!»؛ این شعار که بیش از یک دهه پیش، از همایش‌های آن‌لاین «Fchan» سر برآورد، اکنون میان سرمایه‌گذاران جوان بر طرفدار شده است.

شعار «هیچ اتفاقی نمی‌افتد»، ابتدا نوعی طنز یا واکنش طعنه‌آمیز به پیش‌بینی‌های اغراق‌آمیز درباره جغایع جهانی بود. با گسترش شبکه‌های اجتماعی و دسترسی آسان‌تر به اطلاعات، این ذهنیت به تدریج میان سرمایه‌گذاران جوان، به‌ویژه نسل جوان که از طریق پلتفرم‌هایی مثل X و Reddit در بازارهای مالی فعال شده‌اند، رواج یافت. آن‌ها با مشاهده سیر کهرنگ شدن بحران‌های بزرگ به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از رویدادهای به‌ظاهر تهدیدآمیز، تأثیر پایداری بر بازارها ندارند.

در نگاه اول، این رویکرد در عصر جنگ‌های تجاری و تنش‌های ژئوپلیتیک بی‌معنا به نظر می‌رسد اما نگاهی به رویدادهای اخیر، منطق آن را روشن می‌کند: اعتراضات علیه قرظبنه در چین (۲۰۲۲)، شورش گروه واگنر در روسیه (۲۰۲۳) و منازعه هند و پاکستان (۲۰۲۴)، ابتدا تهدیدآمیز به نظر می‌رسیدند، اما تأثیراتشان به تدریج کهرنگ شد؛ «شی چین‌پینگ» و «اولادیمیر پوتین» همچنان در قدرت هستند و خطر جنگ هسته‌ای نیز مهیا شده است.

بی‌خیالی در بازارها همه‌جا دیده می‌شود. سهام سقوط کرده به سرعت خریداری می‌شوند و بازار به صعود ادامه می‌دهد. سرمایه‌گذاران خرد نیز در سه ماه گذشته، با هجوم به بورس‌ها، سهامی به ارزش خالص ۲۵ میلیارد دلار خریداری کرده‌اند. بحران؟ چه بحرانی؟ این رویکرد بی‌خیالی، پیچیده‌تر از آن است که به نظر می‌رسد. دیوید کاتلر، جیمز پورتیازا از «MIT» و لاری سسامرز از هاروارد در تحقیقی در سال ۱۹۸۸، نشان دادند که تلاطمات بازدهی سهام در روزهای انتشار اخبار مهم، کمتر از سه برابر یک روز عادی است. آن‌ها بررسی کردند که از حمله ژاپن به پل هابیر (۱۹۴۱) تا بحران موشکی کوبا (۱۹۶۲) و فاجعه چرنوبیل (۱۹۸۶)، بسیاری از بزرگ‌ترین سقوط‌های بازار در روزهای رخ دادند که هیچ خبر مهمی منتشر نشده بود.

تهدیدات ژئوپلیتیک اغلب رویدادهایی با پیامدهای «همه یا هیچ» هستند که قیمت‌گذاری آنها دشوار است.

برای مثال، بازار بورس دو تریلیون دلاری کره جنوبی همواره در معرض تهدید کره شمالی قرار دارد اما سرمایه‌گذاران نمی‌توانند برای چنین ریسکی قیمت تعیین کنند یا خود را بیمه کنند؛ در نتیجه، بسیاری این تهدیدات را نادیده می‌گیرند. حتی ارزانی مداوم سهام کره‌ای، معروف به «تزیل کره»، بیشتر به ضعف حکمرانی شرکتی نسبت داده می‌شود تا ریسک‌های ژئوپلیتیک. تحولات اقتصاد جهانی نیز اثرات رویدادهای گذشته را خنثی کرده است. تکانه نفتی ۱۹۷۳ و جنگ خلیج فارس ۱۹۹۰، تأثیرات پایداری بر بورس داشتند اما امروز، انقلاب شیل، آمریکا را به صادرکننده انرژی تبدیل کرده و اقتصاد آن را مقابل شوک‌های جهانی مقاوم‌تر کرده است. افزایش قیمت جهانی نفت حتی انگیزه اکتشاف و استخراج در آمریکا را بالا برده و هزینه‌کردها را افزایش داده است که برای بازارهای بورس جهانی، به‌ویژه آمریکا، اهمیت زیادی دارد.

حتی تعرفه‌های تجاری دونالد ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش (۲۰۲۵) که تأثیرات مستقیمی بر بنگاه‌ها دارند، نتوانسته‌اند رشد بورس آمریکا را متوقف کنند. درآمد مورد انتظار بنگاه‌های S&P۵۰۰ در ۱۲ ماه آینده، به ۲۷۰ دلار به ازای هر سهم رسیده است که اندکی بالاتر از سطح پیش از تعرفه‌های جدید است. رویدادهای به‌ظاهر طوفانی، حتی در اوج تنش‌های بین‌المللی مانند جنگ موشکی اخیر در خاورمیانه، تنها قدرت سرمایه‌داری را نشان می‌دهند؛ قدرتی که نه از میدان جنگ، بلکه از اقتصاد واقعی و نظام مالی نشأت می‌گیرد. بازارها با بی‌توجهی به اخبار ژئوپلیتیک، به صعود خود ادامه می‌دهند و سرمایه‌گذاران، با تکیه بر این منطق، همچنان به خرید سهام روی می‌آورند.

دشمن دشمن

نقش جرمی پاول در پایان جنگ ۱۲ روزه چه بود؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

در میانه اخبار جنگ، فراموش کردیم که جرمی پاول هم در پایان جنگ، نقشی هرچند حاشیه‌ای و غیرمستقیم داشت.

کمک رئیس فدرال رزرو به پایان جنگ، مدیریت جلسه اخیر فدرال رزرو در نگه‌داشتن نرخ بهره دلار در نرخ بالای فعلی، یعنی ۴/۲۵ درصد تا ۴/۵ درصد و سرپیچی از دستور دونالد ترامپ برای کاهش آن بود.

به‌طور تاریخی، آمریکا هر بار جنگ کرده است، نرخ بهره پایین بوده یا پایین آورده شده تا هزینه مالی جنگ کاهش پیدا کند؛ اگرچه معمولاً این خودش بحران‌های مالی در سال‌های بعد از جنگ را رقم زده است. نمونه بارز این ادعا، نرخ بهره پایین در ابتدای جنگ افغانستان و عراق است که در نهایت، منجر به حباب مسکن و بحران مالی سال ۲۰۰۸ شد. آقای پاول با ایستادگی محکم مقابل ترامپ برای کاهش نرخ بهره، به‌نوعی غیرمستقیم، جنگ‌طلبان درون حکومت آمریکا را هم ناامید کرد. البته استدلال‌های پاول به عقیده اقتصاددانان، همه اقتصادی و معطوف به تورم آمریکا بودند اما خود جنگ و حتی سایه‌اش هم تورم‌زاست و کاهش نرخ بهره در این شرایط، توجیهی ندارد. با توجه به روند کاهش تورم آمریکا، پاول به راحتی می‌توانست جلسه فدرال رزرو را به شکل دیگری مدیریت کند و نتیجه دیگری از آن به دست آورد.

جرمی پاول کیست و چه نقشی در پایان جنگ ۱۲ روزه علیه ایران داشت؟

جرمی پاول زاده (۴ فوریه ۱۹۵۳)، در واشنگتن دی‌سی، بانکدار، سرمایه‌گذار سابق و حقوق‌دان آمریکایی است که از فوریه ۲۰۱۸، به‌عنوان رئیس فدرال رزرو ایالات متحده فعالیت می‌کند. او پس از تحصیل در دانشگاه پرینستون و اخذ مدرک حقوق از دانشگاه جرج تاون، ابتدا به‌عنوان وکیل و سپس در حوزه بانکداری سرمایه‌گذاری فعالیت کرد. پاول در سال ۱۹۹۲، به‌عنوان معاون وزیر خزانه‌داری در امور مالی داخلی در دولت جرج بوش خدمت کرد و در سال ۲۰۱۲، توسط باراک اوباما، به عضویت شورای حکام فدرال رزرو منصوب شد. دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷، او را به‌عنوان رئیس فدرال رزرو برگزید و جو بایدن نیز در سال ۲۰۲۱، این انتصاب را تمدید کرد. پاول به دلیل تأثیرگذاری بر سیاست‌های پولی آمریکا و بازارهای مالی جهانی، یکی از چهره‌های کلیدی اقتصاد جهان محسوب می‌شود. برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند که آقای پاول در جنگ

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

راه‌حل عبور از نااطمینانی

چگونه می‌شود اثر سیاست را حداقل کرد؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

اقتصاددانان معتقدند که نااطمینانی سیاسی‌ای که اغلب از بی‌ثباتی‌های نهادی، سیاست‌گذاری‌های غیرقابل‌پیش‌بینی، یا تنش‌های ژئوپلیتیک ناشی می‌شود، اثرات منفی قابل‌توجهی بر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و بازارهای مالی دارد. برای کاهش یا جلوگیری از این نااطمینانی، راهکارهایی در سطح کلان و خرد پیشنهاد شده‌اند که عمدتاً بر تقویت شفافیت، ثبات نهادی و هماهنگی بین‌المللی متمرکز هستند.

نخست، تقویت نهادهای دموکراتیک و حاکمیت قانون کلیدی است. اقتصاددانانی مانند دارون عجم‌واغلو و جیمز رابینسون، تأکید دارند که نهادهای فراگیر، با تضمین حقوق مالکیت، استقلال قضایی و پاسخ‌گویی دولت، اعتماد سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی را جلب می‌کند. این نهادها با کاهش ریسک مصادره اموال یا تغییرات ناگهانی سیاست‌ها، نااطمینانی را کم می‌کنند؛ برای مثال، کشورهایی با نظام قضایی

۱۲ روزه، نقشی غیرمستقیم و حاشیه‌ای داشت؛ این نقش به تصمیم‌گیری او در جلسه اخیر فدرال رزرو برای حفظ نرخ بهره دلار در بازه ۴/۲۵ تا ۴/۵ درصد، برخلاف فشارهای دونالد ترامپ برای کاهش آن، بازمی‌گردد. به‌طور تاریخی، ایالات متحده در زمان جنگ‌ها، نرخ بهره را کاهش می‌دهد تا هزینه‌های مالی درگیری‌ها را مدیریت کند؛ نمونه آن، نرخ‌های پایین در ابتدای جنگ‌های افغانستان و عراق است که به حباب مسکن و بحران مالی ۲۰۰۸ منجر شد اما پاول، با تمرکز بر کنترل تورم داخلی آمریکا که در مسیر کاهش قرار داشت، از کاهش نرخ بهره خودداری کرد. این تصمیم، به‌گفته اقتصاددانان، ریشه در ملاحظات اقتصادی داشت اما با توجه به تورم‌زا بودن جنگ و حتی سایه آن، حفظ نرخ بهره بالا به‌صورت غیرمستقیم پیامی به جنگ‌طلبان در دولت آمریکا بود که منابع مالی ارزان برای تداوم یا تشدید درگیری‌ها در دسترس نخواهد بود. این ایستادگی، به‌نوعی، به تسریع مذاکرات آتش‌بس کمک کرد زیرا کاهش نرخ بهره می‌توانست هزینه‌های جنگ را برای آمریکا تسهیل کرده و انگیزه‌ای برای طولانی‌تر شدن درگیری ایجاد کند.

هرچند استدلال‌های پاول بیشتر اقتصادی و متمرکز بر ثبات مالی آمریکا بود اما با توجه به شرایط جنگی، این تصمیم اثر سیاسی غیرمستقیمی داشت. او می‌توانست با مدیریت متفاوت، جلسه فدرال رزرو، نرخ بهره را کاهش دهد اما با حفظ سیاست پولی انقباضی، به‌طور ناخواسته به محدود شدن منابع مالی برای حمایت از جنگ کمک کرد. این اقدام، کنار فشارهای دیپلماتیک و نظامی، به پایان سریع‌تر جنگ ۱۲ روزه یاری رساند؛ هرچند نقش پاول در مقایسه با عوامل اصلی مانند حملات نظامی اسرائیل یا میانجی‌گری بین‌المللی، حاشیه‌ای باقی ماند.

اختلاف ریشه‌دار

اختلاف عمیق بین جروم پاول و دونالد ترامپ، به‌ویژه در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ، ریشه در تفاوت دیدگاه‌هایشان درباره سیاست پولی و استقلال فدرال رزرو دارد. ترامپ در سال ۲۰۱۷، پاول را به‌عنوان رئیس فدرال رزرو منصوب کرد اما خیلی زود، از رویکرد محتاطانه او در مدیریت نرخ بهره انتقاد کرد. ترامپ که رشد اقتصادی سریع و بازار سهام قوی را اولویت خود می‌دانست، خواستار نرخ بهره پایین و سیاست‌های پولی انبساطی بود تا هزینه‌های استقرار کاهش یابد و اقتصاد تحریک شود؛ او معتقد بود فدرال رزرو باید به‌طور مستقیم، از اهداف دولت حمایت کند؛ در مقابل، پاول بر استقلال فدرال رزرو تأکید داشت و اولویت خود را کنترل تورم و حفظ ثبات بلندمدت اقتصاد قرار داد. بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، فدرال رزرو تحت رهبری پاول، نرخ بهره را چندین بار افزایش داد، از حدود یک درصد به ۲.۵ درصد چراکه اقتصاد آمریکا، در حال رشد بود و نشانه‌هایی از فشار تورمی دیده می‌شد. این تصمیمات، خشم ترامپ را برانگیخت که افزایش نرخ بهره را مانعی برای رشد اقتصادی و عملکرد بازار سهام می‌دانست. ترامپ بارها پاول را علناً مورد انتقاد قرار داد و او را «دشمن» خواند حتی تهدید کرد که او را برکنار خواهد کرد؛ با این‌حال، پاول مقابل این فشارها مقاومت و تأکید کرد که تصمیمات فدرال رزرو بر اساس داده‌های اقتصادی، نه ملاحظات سیاسی گرفته می‌شود. در سال ۲۰۲۰، با شروع همه‌گیری کرونا، فدرال رزرو نرخ بهره را به نزدیک صفر کاهش داد و برنامه‌های گسترده خرید اوراق قرضه را اجرا کرد که تا حدی با خواسته‌های ترامپ هم‌راستا بود اما این اقدامات، بیشتر برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی انجام شد تا پاسخ به فشار سیاسی.

کاهش دهند و ثبات اقتصادی را تقویت کنند؛ همان‌طور که در گزارش قاچاق اشاره شد.

چهارم، توزیع‌بخشی به اقتصاد از وابستگی به عوامل سیاسی می‌کاهد. اقتصاددانانی مانند ریکاردو هاوسمن، استدلال می‌کنند که اقتصادهای تک‌محصولی مقابل شوک‌های سیاسی آسیب‌پذیرتر هستند. توزیع‌بخشی به صادرات و سرمایه‌گذاری در فناوری و آموزش، مانند آنچه در کره جنوبی رخ داد، می‌تواند اقتصاد را مقاوم‌تر کند. این امر به‌ویژه مقابل تهدیدات ژئوپلیتیک، مانند تنش‌های خاورمیانه در ژوئن ۲۰۲۵، موثر است.

پنجم، مدیریت انتظارات عمومی از طریق ارتباط شفاف سیاست‌گذاران، حیاتی است. بن برنانکه، اقتصاددان و رئیس سابق فدرال رزرو، بر اهمیت «هدایت انتظارات» تأکید دارد. دولت‌ها و بانک‌های مرکزی با ارائه اطلاعات دقیق درباره سیاست‌ها و واکنش به بحران‌ها، می‌توانند از واکنش‌های هیجانی بازارها جلوگیری کنند؛ برای مثال، بی‌خیالی سرمایه‌گذاران در گزارش بازار سهام (S&P۵۰۰) در ژوئن ۲۰۲۵ تا حدی نتیجه نااطمینان به ثبات اقتصادی آمریکا بود.

با این‌حال، اقتصاددانان اذعان دارند که حذف کامل نااطمینانی سیاسی غیرممکن است زیرا عوامل غیراقتصادی مانند ایدئولوژی یا درگیری‌های منطقه‌ای خارج از کنترل مستقیم سیاست‌گذاران هستند اما با ترکیب این راهکارها - نهادهای قوی، سیاست‌های شفاف، هماهنگی جهانی، توزیع اقتصادی، مدیریت انتظارات و کاهش نابرابری - می‌توان تأثیرات منفی نااطمینانی را به حداقل رساند و اقتصاد را مقابل شوک‌های سیاسی مقاوم‌تر کرد.





در خط مقدم

درباره نیروهای امدادگری که جان بر کف، به نجات هموطنان شتافتند

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



در ساعات آغازین بامداد ۲۳ خردادماه، صدای مهیب انفجار، تهران را لرزاند و کلافه‌ای از دود و آتش خیابان‌ها را فراگرفت. بنابر گزارش‌ها، این حملات هوایی که نقاط نظامی و هسته‌ای ایران را هدف گرفت، فراتر از تاسیسات نظامی رفت و شهروندان عادی را نیز به کام خود کشاند. در ادامه و در پی حمله سنگین به شهر تهران در ۱۲ روز، هلال احمر از شهادت سه نفر از امدادگران خود خبر داد. این وقایع کمتر از یک هفته پس از آن رخ داد که ارتش اسرائیل برای اولین بار تاسیسات بزرگ اتمی نظنز را هدف قرار داد و فرماندهان ارشد نظامی کشورمان را به شهادت رساند. در همان روزها، ایران نیز به‌سوی تل‌آویو موشک شلیک کرد تا انتقام این حمله گستاخانه را بگیرد.

با وجود شدت حملات، نیروهای آتش‌نشانی، امدادگران هلال احمر و داوطلبان به‌سرعت وارد عمل شدند. هم‌زمان

گزارش اجتماعی

بازگشت اینترنت

پس از پایان جنگ، رفع فیلترینگ در دستور کار دولت قرار گرفت

فروشگاه‌های آنلاین و کسب‌وکارهای خرد، روزانه با کاهش درآمد و اختلال در خدمات مواجه شدند. گزارش‌ها حاکی از اختلال‌های جدی در سامانه بانکی کشور و دستگاه‌های خودپرداز هستند؛ شایعه شد گروهی موسوم به «گنجشک درنده»، بانک سپه را هک کرده و داده‌های آن را حذف کرده است. علاوه بر این، قطعی شبکه‌های موقعیت‌یاب (GPS) و پیامک‌های بین‌المللی سبب سردرگمی مسافران و شهروندان شد. در شرایطی که بسیاری در پایتخت و شهرهای بزرگ به دلیل شنیده شدن هشدارهای امنیتی در حال خروج از شهر بودند، ارتباطات کوتاه‌مدت خانوادگی و اجتماعی تقریباً قطع شد.

از منظر اجتماعی، نبود اینترنت خارجی مانع از ارتباط خانواده‌ها شد؛ بسیاری در شبکه‌های اجتماعی برای یافتن راهکار برای سالمندان یا نیازمندان فعالیت می‌کردند اما اختلال گسترده اینترنت، مانع تبادل این اطلاعات شد. کارشناسان امنیت سایبری و حقوق دیجیتال، می‌گویند «مردم به‌شدت به اینترنت نیاز دارند، به‌ویژه به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتباط تا بتوانند با یکدیگر تماس باشند و از حال هم باخبر شوند». او تأکید می‌کند در زمان جنگ و بحران، اینترنت نقش حیاتی در تبادل خبر و هماهنگی دارد.

از سوی دیگر، هزینه زمانی و اقتصادی که کسب‌وکارهای آنلاین و حتی کسب‌وکارهای سنتی متحمل شدند زیاد بود. تاخیر در تراکنش‌های اینترنتی، تعطیلی موقت فروشگاه‌های آنلاین و اختلال در ابزارهای پرداخت (مانند درگاه‌های بانکی و کیف پول‌های دیجیتال) موجب خسارات مالی هنگفتی شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد هر روز قطعی اینترنت روزانه میلیون‌ها دلار به اقتصاد کشور خسارت می‌زند و بار سنگینی بر دوش فعالان کسب‌وکار می‌گذارد.

بازگشت اینترنت و رفع محدودیت شبکه‌ها

از بامداد ۴ تیر، روند بازگرداندن تدریجی خدمات آغاز شد. وزیر ارتباطات در توییتی اعلام کرد «وضعیت دسترسی‌های ارتباطی به شرایط قبل بازگشته» و مجدداً عذرخواهی کرد. پس از این، دسترسی به برخی پیام‌رسان‌های خارجی و شبکه‌های اجتماعی نیز تسهیل شد. براساس گزارش «شرق» و خبرگزاری‌ها، دسترسی به اینستاگرام و واتساپ بدون نیاز به فیلترشکن برای کاربران فراهم آمد؛ با این حال، منابع خبری تصریح کردند باز کردن اینستاگرام، یک دسترسی «موقتی» و ناشی از تغییرات پروتکل‌های ارتباطی است و به‌معنای رفع کلی فیلترینگ نیست. در مقابل، گزارش‌ها می‌گویند واتساپ به‌طور جدی رفع فیلتر شده و کاربران (هرچند هنوز نه به‌صورت کامل

گروه اجتماعی: با آغاز حملات نظامی رژیم صهیونیستی به ایران در روز جمعه (۲۳ خرداد)، به مرور وضعیت ارتباطات در کشور به‌طرز بی‌سابقه‌ای بحرانی شد. داده‌های سازمان‌های رصد شبکه نشان می‌دهد از روز ۲۷ خرداد، اتصال اینترنت در بسیاری از مناطق ایران به‌شدت کند یا قطع کامل بود. نت‌بلکس گزارش داد پس از بیش از ۶۲ ساعت قطعی تقریباً کامل اینترنت در سراسر کشور، میزان اتصال مجدداً به حدود ۶۰ درصد سطح عادی بازگشته بود؛ ولی دقایقی بعد، قطع مجدد شدت گرفت. به همین ترتیب، کاربران در ساعات اولیه این بحران دسترسی به شبکه‌های جهانی نداشتند و حتی برقراری تماس‌های تلفنی از راه دور با مشکل روبه‌رو شدند. در نتیجه، طی حدود چهار روز آخر جنگ، کشور عملاً جز شبکه ملی اطلاعات و برخی خدمات داخلی اندکی از جهان بیرون جدا شد.

واکنش و اظهارات مسئولان

مقامات ایران علت این قطع گسترده را نگرانی‌های امنیتی و حملات سایبری دشمن اعلام کردند. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، ۳۰ خرداد، در گزارش تلویزیونی گفت: «در این روزها شاهد حملات سایبری به زیرساخت‌های اساسی و اختلال در عملکرد بانک‌ها بودیم و بسیاری از به‌په‌داها هم از طریق اینترنت کنترل می‌شدند؛ با توجه به این مشکلات، تصمیم به اعمال محدودیت اینترنت گرفتیم». به گفته او، این محدودیت‌ها به منظور «امنیت شهروندان و کشور» بوده است. پیش از آن نیز وزارت ارتباطات از وضع «محدودیت‌های موقتی» بر اینترنت خبر داده بود.

پس از چند روز اختلال، از دیروز اینترنت بین‌المللی به شکل کامل وصل شد. ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، با پخش ویدئویی اعلام کرد که «اکنون با دستور رئیس‌جمهور محترم، اینترنت دوباره در دسترس شماست» و افزود که «با بازگشت آرامش به کشور، به شرایط گذشته بازگشتیم». وزیر ارتباطات در این پیام عمومی از مردم «صبور و شریف» بابت «شرایط تحمیلی» عذرخواهی کرد و از اصناف و کسب‌وکارهای اینترنتی و فعالان حوزه دیجیتال به‌خاطر تحمل خسارات وارده قدردانی کرد. او همچنین تشکر ویژه‌ای از رئیس‌جمهور به‌خاطر تسهیل دسترسی‌ها بیان و تأکید کرد که با پیگیری وعده‌های قبلی خود، کیفیت ارتباطات را ارتقا خواهد داد.

تبعات اقتصادی و اجتماعی

قطعی چهارروزه اینترنت آثار گسترده‌ای بر کسب‌وکارها و زندگی مردم گذاشت. بسیاری از شرکت‌های اینترنتی و



شانه‌به‌شانه دیگر مردم ایستاده‌اند و دیوار بلند انسانیت را به‌پا داشته‌اند. تصاویر پایانی عملیات، آتش‌نشانی را نشان می‌دهد که کنار آمبولانس‌ها نشستند و تن‌های خسته‌شان را استراحت می‌دهند؛ ماسک‌های گاز را از صورت برداشته و سکوتی پر از صحنه‌های رنج و نجات. این چهره‌ها نه تیترو روزنامه‌ها، که مضمون دل‌های میلیون‌ها ایرانی هستند. این گزارش تقدیم به همین قهرمانان بی‌ادعاست؛ کسانی که در سخت‌ترین لحظه‌ها، با دست‌های خالی و قلب‌هایی پر از امید، به داد هموطنان‌شان می‌رسند.

گزارش

انفجار در جنت‌آباد

انفجار آپارتمان‌ها ناشی از ترکیب لوله گاز؛ ارتباط با درگیری‌های منطقه‌ای رد شد

روز چهارشنبه، چهارم تیر، ساکنان جنت‌آباد تهران با صدای مهیب انفجار در یکی از آپارتمان‌ها بیدار شدند. بررسی‌های اولیه پلیس نشان داد که علت حادثه، ترکیب لوله گاز بوده است و دیوارهای چند واحد مسکونی دچار ترک و شکاف شده‌اند. در این انفجار، یک نفر مجروح شد که به‌سرعت به مراکز درمانی منتقل شد و تحت مراقبت قرار گرفت؛ نیروهای آتش‌نشانی نیز با حضور در محل، آتش جزئی ایجادشده را مهار کردند. هم‌زمان در کرمانشاه، خبر انفجاری دیگر در یک منزل مسکونی منتشر شد. بر اساس گزارش کانال «کرمانشاه‌لوج» به‌مناسبت انتقال فرماندهی انتظامی این شهر، ترکیب لوله گاز باعث انفجار و بروز حریق مختصر شد. یک نفر در این حادثه، دچار سوختگی جزئی شد که پس از دریافت کمک‌های اولیه، مرخص شد. خسارات واردهشده در اندازه آسیب به بخشی از آشپزخانه و ترکیب لوله‌ها ارزیابی شده است.

در دزفول نیز صدای مهیبی موجب نگرانی مردم شد. ابتدا شایعه شد که این حادثه مرتبط با تنش‌های اخیر منطقه‌ای باشد اما خبرگزاری تسنیم، با استناد به اطلاعات فرمانداری ویژه دزفول اعلام کرد صدا ناشی از انهدام مهمات فرسوده در یکی از انبارهای نظامی بوده و هیچ‌گونه خسارت مالی یا جانی به‌جا نگذاشته است. این انفجارها در حالی اتفاق می‌افتد که از روز سوم تیر، آتش‌پس میان ایران و اسرائیل برقرار شده و هیچ حمله جدیدی در مرزهای هوایی یا زمینی گزارش نشده است؛ با این حال، هم‌زمانی انتشار تصاویر و خبرهای حوادث گازی با فضای پرتلاطم شبکه‌های اجتماعی، برخی کاربران را به گمانه‌زنی درباره ارتباط این رویدادها با درگیری‌های نظامی ترغیب کرده است؛ گمانی که مسئولان محلی آن را کاملاً تکذیب کردند. کارشناسان امور ایمنی شهری و امدادی بر ضرورت بازدید دوره‌ای و نگهداری صحیح تاسیسات گازرسانی تأکید دارند. آن‌ها هشدار می‌دهند که فرسودگی اتصالات و عدم نصب شیرهای ایمنی می‌تواند هر لحظه خطر انفجار را افزایش دهد. به شهروندان توصیه شده است قبل از آغاز فصل گرم یا سرد، سلامت اتصالات گاز و صحت عملکرد شیرها را توسط کارشناس مجاز بررسی کنند.

روند مقابله با این حوادث نیز آغاز شده است؛ مأموران سازمان آتش‌نشانی و گازرسانی در جنت‌آباد و کرمانشاه بررسی‌های فنی خود را تشدید کرده و بازدیدهای اضطراری از تاسیسات همه ساختمان‌های مسکونی برنامه‌ریزی شده‌اند. با پایان موقت تنش‌های نظامی و انعقاد آتش‌پس، اکنون زمان مناسبی است تا توجه ویژه‌ای به ایمنی خانگی و تقویت زیرساخت‌های شهری معطوف شود و شهروندان با خیالی آسوده‌تر کنار یکدیگر زندگی کنند.

با لباس‌های سفید و کیف کمک‌های اولیه، جان‌دها مصدوم و مجروح را نجات دادند. یکی از آتش‌نشانیان گفت: «خطر زیاد بود اما ما می‌دانستیم کسی زیر آوار مانده است و باید نجاتش دهیم».

حضور این نیروها در صحنه یک نکته مهم را یادآور می‌شود: طبق قوانین بین‌المللی، امدادگران غیرمسلح با ماسک و کیف کمک‌های اولیه، از حمایت ویژه برخوردارند. حمله مستقیم به آنها یا تجهیزاتشان، نقض کنوانسیون‌های ژنو محسوب می‌شود؛ با این حال، این افراد بی‌هیچ هراسی،

با وجود این فضای سنگین و شرایط فوق‌العاده، «قهرمانان بی‌نام» همچنان در صف مقدم ایستاده‌اند. آتش‌نشانی ایرانی با تجهیزات ساده خود در مقابل شعله‌های سرکش مقاومتی کردنی نبودند؛ آنها وارد ساختمان‌های نیمه‌ویران شدند، آتش را خاموش کردند و حتی خطر ریزش آوار را به‌جان خریدند تا بازماندگان را بیرون بکشند. امدادگران هلال احمر همچنان

سراسری) قادر به استفاده عادی از آن هستند؛ به‌علاوه، برخی منابع رسانه‌ای از احتمال رفع فیلتر تلگرام در آینده نزدیک خبر داده‌اند اما هنوز به صورت رسمی تأیید نشده است.

هشدار کارشناسان درباره قطع و فیلترینگ

تحلیل‌گران امنیتی هشدار می‌دهند هرچند برقراری مجدد اینترنت ضروری است، روش‌های فیلترینگ موجود آسیب‌هایی دارد که باید اصلاح شوند. کارشناسان امنیت شبکه معتقد هستند سیاست‌های سخت‌گیرانه فیلترینگ و استفاده گسترده کاربران از فیلترشکن، شبکه ایران را «بسیار آلوده و آسیب‌پذیر» کرده و عملاً به بهشت هرکرا تبدیل کرده است. بر اساس آمار شرکت ارتباطات زیرساخت، در ماه‌های اخیر، صدها هزار حمله منع خدمت (DDoS) به مقاصد داخلی صورت گرفته که بخش عمده آن‌ها از شبکه‌های آلوده کاربرانی با فیلترشکن نشأت گرفته‌اند.

همچنین کارشناسان آیتی، به مشکلات فنی فیلترینگ اشاره می‌کنند. وحید فرید، فعال حوزه فناوری، یادآوری می‌کند که به‌دلیل فیلتر گوگل‌پلی و عدم امکان بروزرسانی از منابع اصلی، کاربران مجبورند اپلیکیشن‌ها را از سایت‌های متفرقه دریافت کنند که این کار «گوشی‌های اندرویدی را مستعد آلوده‌شدن به بدافزار» می‌کند. به گفته او، ایجاد شبکه‌های ملی بسته («ایران اکسس») توهم امنیت ایجاد کرده؛ در حالی که همین جدا کردن سیستم‌ها بدون تقویت امنیت زیرساخت‌ها، موجب می‌شود «سامانه‌های ایران اکسس به‌راحتی هک شوند» زیرا تعداد دستگاه‌های آلوده («زامبی») در شبکه زیاد است. به‌طور خلاصه، کارشناسان تأکید دارند رفع فیلتر و اتصال به اینترنت جهانی باید هم‌زمان با تقویت زیرساخت امنیت سایبری و نظارت منطقی انجام شود تا ضمن کاهش نیاز مردم به ابزارهای غیررسمی (فیلترشکن)، حملات سایبری و خسارات اقتصادی ناشی از این‌گونه محدودیت‌ها به حداقل برسد.

پس از گذشت چهار روز از قطع کامل اینترنت بین‌المللی، شرایط ارتباطی ایران به‌تدریج به حالت عادی برگشته است اما بحران یادآور اهمیت بالای دسترسی آزاد و ایمن به اینترنت در مواقع اضطراری شد. ستار هاشمی، وزیر ارتباطات، ضمن تشکر از رئیس‌جمهور به‌خاطر بازگرداندن اینترنت، قول داد که برای بهبود کیفیت ارتباطات و تسهیل دسترسی‌ها «پیگیر وعده‌های پیشین» خواهد بود. در همین حال، ناظران بر این باور هستند که حرکت به سمت رفع موقت فیلترینگ برخی پیام‌رسان‌ها و توجه بیشتر به زیرساخت‌های امنیتی ضروری است؛ تا ضمن جلوگیری از «آلودگی» شبکه و سوءاستفاده بدافزارها، زندگی دیجیتال شهروندان به‌طور پایدار جریان یابد.

